نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال نوزدهم - شماره ۸۲۲ یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۵- ۸ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

ضرورت جبران هزینه های آلودگی هوا برای مردم عسلویه

ناصر بوهندی

صفحه۳

نماینده مردم جنوب استان بوشهر خطاب به وزیر نفت:

بحران زیست محیطی عسلویه نقطه تاریک عملکرد وزارت نفت است

صفحه۶

اوضاع بحرانی آلودگی هوا در عسلویه





نسبی نگری در اشعار منوچهر آتشی

به مناسبت دوم مهرماه سالروز تولد منوچهر آتشی

محمدامیر مشهدی

صفحه ۴

مهندس مهشید کرمی کارشناس ارشد معماری در مصاحبه با نسیم جنوب:

درهم ریختگی ساختار اجتماعی و فضایی و بی توجهی به تأسیسات و زیرساخت های بافت قدیم بوشهر



صفحه ۵

تبریک

بودنت رؤیاست...

هُدایم:

میلادت همایون و فرخنده

با تمام وجود بهترین ها را

برایت آرزو دارم.

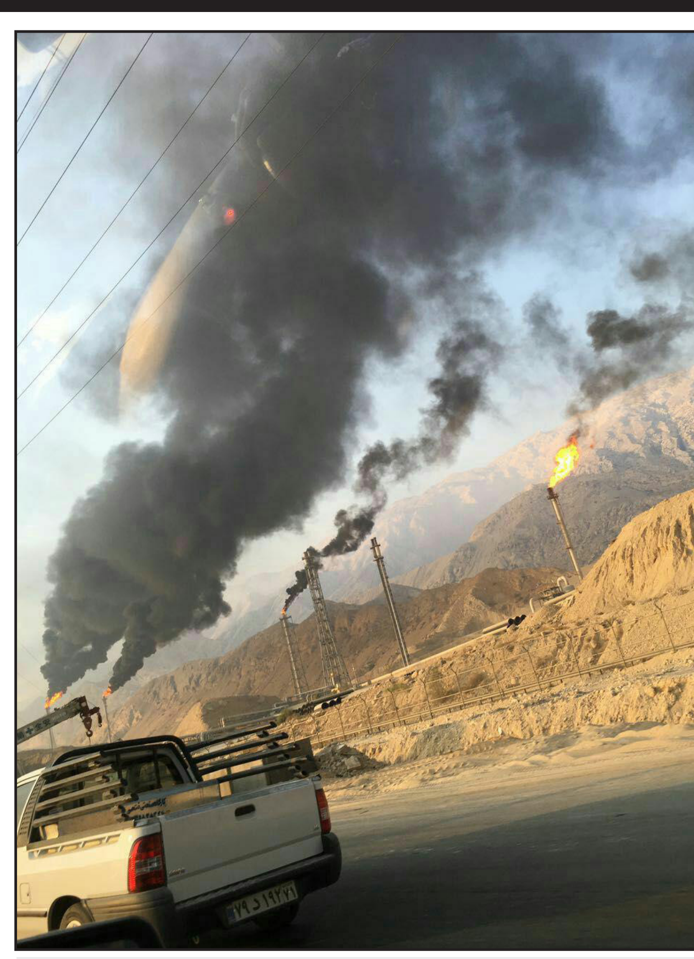
«از طرف یک دوست»

مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر:
جمعیت دانش آموزی استان بوشهر ۱۰ هزار نفر افزایش یافت



مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر گفت: جمعیت دانش آموزی این استان با ۱۰ هزار نفر افزایش در سال تحصیلی جدید از ۱۹۷ هزار و ۶۹۵ نفر به ۲۰۷ هزار و ۶۹۵ نفر افزایش یافت.
ناصر کرمی در گفت و گو با ایرنا افزود: با وجود افزایش جمعیت دانش آموزی استان بوشهر افزایش آموزشگاه نخواهیم داشت ولی تعداد کلاسهای درس از ۹ هزار و ۲۸۰کلاس به ۹ هزار و ۶۰۰ کلاس درس افزایش می یابد.
وی تصریح کرد: براساس برنامه ریزی ها این تعداد دانش آموز در دو هزار و ۱۵۰ آموزشگاه در استان بوشهر ساماندهی می شوند.
کرمی اظهار کرد: امسال ۲۲ هزار و ۵۰۰ دانش آموز اول ابتدایی در استان بوشهر ثبت نام شده اند که ۷۰ درصد آنان در پیش دبستانی جذب می شوند.
وی بیان کرد: تاکنون ۱۷۸ هزار دانش آموز ثبت نامی در استان وارد سامانه شده اند و مابقی نیز پرونده ها را تحویل داده اند ولی به دلیل مشکل اینترنت هنوز وارد سامانه نشده اند.
مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر در خصوص آخرین وضعیت نیروی انسانی گفت: در مقابل ۶۷۰ نفر نیروی بازنشسته ۲۳۰ نفر ازدانش آموختگان دانشگاه فرهنگیان، ۱۳۶ نفر به صورت حق التدریس و ۶۹ نفر نیز از طریق آزمون استخدامی سال گذشته جذب می شوند.
کرمی اظهارکرد: شمار نیروهای ورودی در مقایسه با بازنشستگان ۲۳۵ نفر کمتر است که این کمبود نیرو با نیروهای حق التدریس و استفاده از بازنشستگان و یا نوبت دوم جبران می شود.
وی افزود: بیشترین کمبود نیروی آموزشی در استان بوشهردر مقطع ابتدایی است که با حق التدریس و نوبت دوم تلاش می شود برطرف شود.
به گفته کرمی نیروهای پیش دبستانی که رشته نیمه مرتبط دارند و دوره روش تدریس را در دانشگاه فرهنگیان نگذرانده اند ممکن است کیفیت کاری آنها مطلوب نباشد ولی به دلیل اینکه درفضای آموزش و پرورش هستند با گذراندن دوره های کوتاه مدت می توانند نیروهای مطلوبی باشند.
وی یادآور شد: برای توانمندسازی این گروه از آموزگاران دوره های آموزشی که زیر ۱۰ سال سابقه کار دارند کلاس های یادشده برگزار می شود.
کرمی جمعیت فرهنگیان استان بوشهر را ۱۳هزار و ۶۵۰ نفر اعلام کرد.
مدیرکل آموزش و پرورش استان بوشهر در خصوص کلاسهای هوشمند نیز گفت: تاکنون دو هزار و ۷۱۴ کلاس در این استان هوشمند شده اند که این تعداد، ۴۰ درصد کلاسهای درس موجود در استان است و سیاست هوشمندی کلاسهای درس در سالجاری ادامه دارد.
کرمی افزود: ۸۵ درصد مدارس استان بوشهر معادل یک هزار و ۲۹۰ مدرسه به سرویس اینترنت متصل هستند.
وی در خصوص سیستم سرمایشی کلاسهای درس استان بوشهر نیز گفت: تاکنون ۱۰ هزار و یکصد کولر تحویل مدرسه ها شده است و بر اساس آخرین هماهنگی ها ۶۰۰ کولر دیگر نیز تا پایان شهریور توزیع می شود.
کرمی افزود: تلاش می شود تا آغاز سال تحصیلی همه مدرسه های استان بوشهر به سیستم سرمایشی مجهز می شوند.
وی تصریح کرد: همچنین نیمی از کمبود میز و نیمکت مدرسه ها تامین و بخشی هم که نیاز به تعمیر دارد از طریق هنرستانها تعمیر می شود.
کرمی در خصوص طرح تقویت بنیه علمی و ارتقای کنکور در استان بوشهر نیز گفت: این طرح مصوبه شورای آموزش و پرورش است که از محل ارزش افزوده و حق آلایندگی روستاها تامین و برای سال آینده نیز برای شهرها اجرا می شود.
وی یادآور شد: این طرح در دو بخش کلاسهای کنکور و تقویت بنیه علمی است که در این بخش آموزشهایی برای معلمان دوره ابتدایی (کمتر از ۱۰ سال سابقه کار) برای درس های ادبیات فارسی، علوم تجربی و ریاضی در پنج شهرستان استان با حضور مولفان کتابهای درسی ارائه شد.
کرمی افزود: همچنین برای دانش آموزان دوره ابتدایی نیز مسابقه هایی طراحی شده که در طول سال تحصیلی دو تا سه بار باهم به رقابت می پردازند.
وی اظهار کرد: پارسال برای اجرای تقویت بنیه علمی دانش آموزان ۱۵ میلیارد ریال در روستاها از محل اعتبارات ارزش افزوده و حق آلایندگی در استان بوشهر با همکاری شوراها تامین شد.
کرمی اظهار کرد: با توجه به گسترش طرح تقویت بنیه علمی علاوه بر روستاها در شهرها انتظار می رود سال تحصیلی آینده نیز همچون سال گذشته این طرح از سوی شوراهای اسلامی شهرها و شهرداریهای استان حمایت شود.
وی در خصوص بدهی برق مدرسه های استان بوشهرگفت: این بدهی مربوط به چند سال گذشته است و تا پایان سال ۹۴، ۴۵ میلیارد ریال بود که با پی گیریهای انجام شده قرار شد از محل مطالبات نیروگاه اتمی از وزارت نیرو پرداخت شود.
کرمی بیان کرد: بر همین اساس رئیس سازمان انرژی اتمی پرداخت ۵۰ درصد این مبلغ را قبول کرد ولی هنور در مرحله اداری است که از طرف نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی در حال پی گیری است.
وی تاکید کرد: با توجه به آغاز سال تحصیلی جدید انتظار می رود مسئولان نسبت به رفع این مشکل مدرسه های استان اقدام تا در اول مهرماه قطعی برقی نداشته باشیم.
کرمی در خصوص کتاب دانش آموزان نیز گفت: در زمان حاضر به جز پایه دهم که تالیف جدید است مشکلی در تامین مابقی کتابهای درسی در استان بوشهر وجود ندارد.
وی در خصوص سرویس مدرسه ها نیز گفت: اداره انجمن اولیا و مربیان اداره کل آموزش و پرورش مسئولیت پی گیری سرویس مدرسه را برعهده دارد که کارگروهی در این خصوص با حضور تاکسیرانی، شهرداری و راهنمایی و رانندگی برای تعیین نرخ تشکیل شده است.
کرمی افزود: همچنین برای رفاه حال اولیای دانش آموزان شهر بوشهر شماره حسابی در نظر گرفته شده است که شهریه به این شماره حساب پرداخت می شود.
وی در خصوص تراکم دانش آموزان نیز گفت: میانگین تراکم کلاسها در شهرستانها و مناطق ۲۴ نفر است ولی برخی از مدارس که مد نظر اولیای دانش آموزان هستند بدون در نظر گرفتن منطقه جغرافیایی اقدام به ثبت نام می کنند که این امر باعث ازدحام جمعیت در برخی مدرسه ها و کاهش جمعیت در دیگر مدرسه ها می شود.
وی با انتقاد از اصرار اولیا در ثبت نام فرزندشان در مدرسه مشخصی گفت: بهترین مدرسه برای هر دانش آموز نزدیکترین مدرسه به محل زندگی آن فرد است که باید اولیا به این مساله توجه داشته باشند.

آلودگی هوا در عسلویه



رییس سازمان حفاظت از محیط زیست با اشاره به حادثه رخ داده در پتروشیمی مبین در منطقه عسلویه اظهار کرد: گزارشات خود را درباره خسارات و آسیب‌های وارد شده ارائه و تذکرات لازم برای دقت بیشتر داده شده و اکنون هیاتی از بازرسان به منطقه اعزام و پیگیر این موضوع هستند.
معصومه ابتکار در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان اینکه عسلویه یکی از مهم‌ترین مجتمع‌های گازی دنیاست و تعداد زیادی از مجتمع‌های پتروشیمی و پالایشگاهی در آنجا تجمع دارند، اظهار کرد: از ابتدای دولت یازدهم با وزارت نفت درباره اقدامات اساسی که باید در این منطقه انجام شود، وارد مذاکره شدیم.
وی افزود: جلسات کارشناسی و تخصصی در این خصوص انجام شد و چند ماه گذشته در پی این جلسات وزیر نفت برنامه مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست عسلویه را ابلاغ کرد که بسیار حائز اهمیت است.
رییس سازمان حفاظت از محیط زیست با بیان اینکه براین اساس تمام پیمانکاران، مشاوران و افرادی که در عسلویه فعال هستند، مکلف هستند برنامه HSE را در قراردادهای خود لحاظ کنند گفت: متاسفانه در سال‌های قبل این موضوع به صورت تشریفاتی مدنظر بود و پیمانکاران برای آنکه قیمت‌های پایین‌تری ارائه کنند HSE را نادیده می‌گرفتند و آن را در قراردادهایشان حذف می‌کردند.
ابتکار افزود: اکنون این موضوع مورد تاکید شخص وزیر نفت و سازمان محیط زیست است و باید به صورت کاملا جدی و محوری و به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی در قراردادها ذکر و اجرا شود.
وی با اشاره به اینکه هیچ پیمانکاری بدون داشتن برنامه نظام مدیریت محیط زیست نباید اجازه فعالیت داشته باشد، گفت: در حال حاضر عسلویه دارای برنامه HSE است و ما به شدت بر آن نظارت می‌کنیم.
این در حالی است که در سال ۹۲ هیچ جلسه‌ای در این باره در عسلویه برگزار نمی‌شد و اداره‌ای در آنجا نداشتیم اما اکنون یک اداره خوب در این منطقه داریم که تقویت شده و اقدامات خوبی انجام می‌دهد. کار بسیاری در این منطقه انجام شده و حتی یک کارگاه بین‌المللی با نروژ در آنجا برگزار شد و گزارشی از وضعیت آلاینده‌ها ارائه شده که بسیار دقیق بود.
رییس سازمان حفاظت از محیط زیست با بیان اینکه وزارت نفت در زمینه فلرها تلاش‌های جدیدی را انجام می‌دهد، اظهار کرد: قراردادی ماه گذشته در اهواز با حضور بنده منعقد شد که گام بسیار مهمی بود.
اخیرا توافقات جدیدی در حال انجام است تا بتوانیم در پی آن شاهد کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و گازهای همراه باشیم و این موضوع از تکالیف ملی ماست. با این برنامه‌ها ۳ مشکل اساسی زیست‌محیطی در منطقه قابل حل است.
ابتکار در پاسخ به پرسشی مبنی بر آلودگی ۱۰۰ برابری هوای عسلویه نسبت به تهران اظهار کرد: میزان آلودگی متفاوت بوده و ممکن است برخی از مواقع کمتر و برخی مواقع بیشتر باشد. به هرحال عسلویه مشکل آلودگی آب و آلودگی هوا دارد و بسیاری از ترکیبات آلاینده‌های فرار در آنجا بالاست و شرایط مطلوب نیست. از نظر وزارت نفت نیز شرایط مطلوب نیست و در حال تلاش هستیم تا آلودگی‌ها کاهش پیدا کند.
وی با بیان اینکه حادثه‌ای که رخ داد، در پتروشیمی مبین بود، اظهار کرد: پتروشیمی مبین به مابقی واحدها خدمات می‌دهد و اختلالی که رخ داد باعث شد دو واحد دیگر نیز دچار مشکل شود و فلرهای آنها بسیار آلوده شد و دود سیاه و آلودگی بسیار شدیدی ایجاد کرد که نشان‌دهنده ضرورت توجه به HSE است.
رییس سازمان حفاظت از محیط زیست با بیان اینکه ما گزارشات خود را درباره خسارت و آسیب‌های حادثه ارائه کرده‌ایم و تذکرات لازم برای دقت بیشتر به این واحد داده شده است، گفت: در حال حاضر نیز هیاتی از بازرسان سازمان به منطقه اعزام شدند و پیگیر این موضوع هستیم. نسبت به هیچ کدام از این موارد غافل نیستیم و باید در واقعیت راهکارهای عملی که همان اجرای واقعی HSE، ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی، جمع‌آوری گازهای فلر و کاهش آلودگی هوا و آب است را مورد توجه قرار دهیم. ابتکار ادامه داد: متاسفانه بسیاری از واحدها ضوابط را رعایت نمی‌کنند در حالی که این الزامات را بارها اعلام کرده‌ایم و واحدها نیز از آن مطلع هستند. خوشبختانه نگاه خوبی درباره حفاظت از محیط زیست در وزارت نفت وجود دارد و وزارت نفت نیز برنامه‌های خوبی در این خصوص در دست انجام دارد. به هر صورت دوره‌ای از بی‌توجهی را پشت سر می‌گذاریم و بسیاری از شرکت‌ها می‌خواهند پیمانکاری کنند که هیچ شناختی از مسائل زیست محیطی ندارند و این مشکلات را ایجاد می‌کنند. اکنون دیگر این رویکرد تغییر کرده و می‌توانیم نسبت به آینده امیدوار باشیم.

متاسفانه در سال‌های قبل HSE به صورت تشریفاتی مدنظر بود و پیمانکاران برای آنکه قیمت‌های پایین‌تری ارائه کنند HSE را نادیده می‌گرفتند و آن را در قراردادهایشان حذف می‌کردند

رئیس نیروگاه اتمی بوشهر:
نیروهای داخلی جایگزین کارشناسان روسی نیروگاه اتمی بوشهر می‌شوند

رئیس نیروگاه اتمی بوشهر گفت: تا مهرماه امسال، تعدادی از نیروهای داخلی جایگزین کارشناسان روسی در نیروگاه اتمی بوشهر می‌شوند که اغلب این نیروها بومی منطقه هستند.
به گزارش خبرنگار مهر، محمود جعفری در بازدید رئیس مجمع نمایندگان استان بوشهر در مجلس از نیروگاه اتمی بوشهر با تشریح تاریخچه و سایر فعالیت های این نیروگاه اظهار داشت: نیروگاه بوشهر یکی از پیشرفته‌ترین نیروگاه‌ها از بُعد ایمنی است.
وی گفت: این نیروگاه هیچ‌گونه تشعشعاتی که باعث خطرات جانی برای اهالی روستاهای اطراف باشد، ندارد.
رئیس نیروگاه اتمی بوشهر اضافه کرد: از جمله خدماتی که به اهالی روستاهای اطراف ارائه می‌شود، استفاده رایگان از درمانگاه این نیروگاه است.
وی افزود: در آینده نزدیک شاهد افتتاح دبیرستان هسته‌ای خواهیم بود، ضمن اینکه با دانشگاه آزاد و خلیج فارس نیز به توافق رسیده‌ایم تا رشته های مورد نیاز نیروگاه را در لیست رشته‌های خود بگنجانند و در عوض نیروگاه نیز آزمایشگاه‌های تخصصی برای این رشته ها را تجهیز کند.
جعفری بیان کرد: در حال حاضر ۷۰ نیروی متخصص روسی در بخش بهره‌برداری نیروگاه مشغول به کار هستند که تا مهر ماه امسال این رقم به ۲۵ نفر کاهش می‌یابد و به‌جای آن از نیروی های متخصص داخلی استفاده می شود که ۵۷ درصد آن بومی منطقه هستند.
رئیس نیروگاه اتمی بوشهر افزود: برای اجرای فاز دوم این نیروگاه که با همکاری روس‌ها ساخته خواهد شد، علاوه بر بکارگیری نیروهای بومی در تلاش هستیم مواد اولیه برای ساخت و ساز نیروگاه را نیز از استان تامین کنیم تا باعث اشتغال زایی در استان شود.

بانوی کارآفرین گناوه ای ۵۰ فرصت شغلی ایجاد کرد

راضیه عبداللهی از بانوان کارآفرین و موفق شهر گناوه توانسته با راه اندازی کارگاههای تولیدی و ایجاد ۵۰ فرصت شغلی گامی بلند در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی بردارد.
وی که رئیس هیات مدیره کانون مدیران زنان کارآفرین استان بوشهر و نماینده این تشکل در کشور است در گفت وگو با ایرنا گفت: حدود ۱۳ سال است که تعاونی آموزشی و تولیدی صنایع دستی راه اندازی و مشغول آموزش دهی در رشته هایی نظیر گلیم وگبه بافی، تابلوفرش، معرق چوب، حجم پیکر تراش، مشبک چوب، صنایع دریایی و حصیربافی به بانوان هستم.
عبداللهی افزود: هدف از راه اندازی این تعاونی، در وهله نخست توجه به اشتغال جوانان بخصوص بانوان بود که به حول قوه الهی توانسته ام این امر را تا حدودی محقق کنم.
وی گفت: در زمان حاضر برای ۵۰ نفر از دختران و زنان این شهرستان که عمده آنان خودسرپرست، سرپرست خانوار یا کم درآمد هستند، با فراگیری آموزش های لازم دراین تعاونی ایجاد اشتغال کرده و از این طریق کسب درآمد می کنند.
عبداللهی اظهارکرد: تعداد ۲۰ نفر دیگر نیز تا مهرماه امسال آموزش های تکمیلی در این تعاونی را فراگرفته و به جمع تولیدکنندگان افزوده می شوند.
این بانوی کارآفرین به موفقیت های کسب شده این تعاونی اشاره کرد و گفت: درسال ۸۴ به عنوان زن کارآفرین برتر استانی که اولین موفقیتم بود نایل شدم.
وی ادامه داد: درسال ۸۷ به عنوان تعاونی برتر بانوان استان ، سال ۸۹ کارآفرین برتر استانی و کشوری در زمینه صنایع دستی، سال ۹۰ تعاونی و کارآفرین برتر کشور، سال های ۹۱ و ۹۴ نیز زن نمونه کشوری و امسال هم ازسوی بنیاد توسعه کارآفرینان زنان کشور به عنوان دختر نمونه کارآفرین معرفی شدم.
وی افزود: این تعاونی در نمایشگاههای زیادی در سطح بین المللی، کشوری و استانی شرکت کرده که حضور در ۱۶ نمایشگاه خارج از کشور از جمله افغانستان، عراق، ایتالیا، امارات،کویت، ترکیه و سوئیس بخشی از این موفقیت هاست.
وی ادامه داد: حضور در ۴ نمایشگاه در کشورهای هند، ایتالیا، آفریقای جنوبی و ترکیه نیز از برنامه های آینده است.

شناور تندرو برد بلند بالگردبر شهید ناظری به‌آب‌اندازی شد



فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه از الحاق شناور تندرو برد بلند بالگردبر شهید محمد ناظری در بوشهر خبر داد و گفت: این شناور دارای جدیدترین تجهیزات و امکانات است.
به گزارش خبرنگار مهر، سردار علی رزمجو در مراسم آب اندازی شناور تندرو برد بلند بالگردبر شهید ناظری با اشاره به اینکه این شناور افتخاری دیگر از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، اضافه کرد: این شناور جدیدترین نوع از بدنه شناورهای روز دنیا با قابلیت دریانوردی در امواج خروشان و نشست و برخاست بالگرد است.
فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه گفت: آمریکایی‌ها از خود تعریف جهانی می‌کنند و ما مواجه با چنین دشمنی هستیم که علیه جمهوری اسلامی بسیج شده است و رهبری تاکید دارند که باید قدرتمند باشیم و بر دشمن غلبه داشته باشیم.
وی بیان کرد: نیروی دریایی سپاه از نظر نیروی انسانی و تجهیزات در عرصه‌های مختلف دارای قابلیت‌های متعددی است و در برد اطلاعاتی و آمادگی‌های اطلاعاتی و دریانوردی و موشک در انواع مختلف و به‌ویژه برد اراده و ایمان کارکنان نیروی دریایی سپاه شاهد افزایش مستمر توانمندی هستیم.
فرمانده منطقه دوم نیروی دریایی سپاه ادامه داد: امروز هم در سال اقتصاد مقاومتی شاهد یکی از بزرگترین دستاورد این مجموعه هستیم؛ الحاق شناوری که طراحی و ساخت آن توسط کارشناسان و متخصصان و پاسداران حریم ولایت و امامت در همین محل به ثمر می‌رسد.
وی اضافه کرد: مجموعه سپاه و به ویژه پرسنل موسسه شهید محلاتی هم در کارنامه دوران دفاع مقدس و هم بعد از دفاع مقدس نقش بسزایی در ارتقای توان رزمی ما داشته است.
سردار رزمجو افزود: الحاق این شناور به نام شهید محمد ناظری نامگذاری شده است که بر توان بازدارندگی ایران اسلامی می‌افزاید و بر روی دستگاه‌های محاسباتی دشمن اثر خواهد گذاشت.
به گزارش خبرنگار مهر، از جمله مهمانان این برنامه می‌توان به سردار فدوی فرمانده نیروی دریایی سپاه، نماینده ولی فقیه در استان و فرماندهان نظامی و انتظامی در استان بوشهر اشاره کرد.

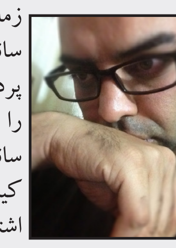
ادامه روند احداث تقاطع غیر همسطح با
اجرای راستگردهای تقاطع غیرهمسطح میدان آزادی بوشهر

این راستگردها بنا به ضرورت حرکت روان ترافیکی در میدان آزادی در حال اجراست. دو راست گرد در ظلع شرقی و ظلع غربی تقاطع غیرهمسطح میدان آزادی به سمت میدان شهید مطهری به زودی اجرا می گردد.
به گزارش روابط عمومی شهرداری بندر بوشهر، در ادامه روند احداث تقاطع غیرهمسطح در میدان آزادی، و بنا به ضرورت ترافیکی، چهار راست گرد این میدان در حال احداث است که عملیات تخریب محل احداث راست گردهای این پروژه شروع گردیده است.
این تقاطع با چهار رمپ طراحی شده است که چهار مسیر را پوشش می دهد:
مسیر اول: برازجان به سمت میدان مطهری
مسیر دوم:میدان مطهری به سمت بهمنی
مسیر سوم: بهمنی به سمت تنگک
مسیر چهارم: تنگک به سمت برازجان .
این تقاطع دارای یک رمپ اصلی و یک مسیر اصلی زیر پل می باشد. از سویی دیگر ، این تقاطع دارای چهار لوپ دور برگردان برای پل نیز می باشد که لوپ ها از آنها ۳۵۰ متر و یکی بین ۴۵۰ تا ۵۰۰ می باشد.
لوپ اول : از بهمنی به سمت باغ زهرا– لوپ دوم: از سمت برازجان به سمت تنگک و سوم– لوپ سوم: از بهمنی به بوشهر– لوپ چهارم: از برازجان به بوشهر تقاطع غیرهمسطح میدان آزادی بوشهر یکی از پروژه‌های مهم عمرانی شهر بوشهر است که تکمیل آن در بهبود وضعیت عبور و مرور در ورودی شهر بوشهر نقشی بسیار مهم خواهد داشت. این تقاطع همه مسیرهایش دوبانده خواهد بود. ولی مسیر اصلی اش در زیر قرار دارد و به صورت سه بانده اجرا خواهد شد که بین مسیر بلوار طالقانی به تنگک اجرا می شود.
شهرداری بندر بوشهر با اعتبار ۱۳۰ میلیارد ریال از منابع داخلی پروژه تقاطع غیر همسطح این میدان را کلنگ زنی نمود.
استفاده از تقاطع غیرهمسطح در میدان آزادی راهکاری موثر برای جلوگیری از کاهش ترافیک، تصادفات، آلودگی زیست محیطی، صدای ناهنجار بوق خودروها و کاهش مصرف سوخت خودروها می باشد.

۳ نسیم جنوب
مقاله
شماره ۸۲۲ یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

سانسور، اضمحلال در بیان

بابک شاکر



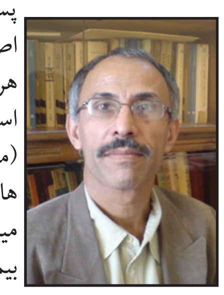
زمانی که به بحث در رابطه با سانسور در جوامع استبدادی می پردازیم باید چند تعریف اساسی را مدنظر قرار دهیم. اول اینکه سانسور چیست؟ دوم سانسورگر کیست؟ و سوم و شاید مهم تر اشتباهات ما در تبیین این مفهوم در کجا قرار دارد؟ در همین راستا می بایست علت شناسی ظهور و بروز سانسور را نیز مورد بررسی قرار دهیم تا به درک صحیحی از بروز وضعیت سانسور در آثار هنری و ادبی برسیم.
برای تعریف سانسور باید اندکی کلی نگر بود و آن را به حوزه های مختلف فرهنگی و اجتماعی تعمیم داد، در تعریف کلاسیک سانسور؛ عبارتست از جلوگیری از بیان و نشر هر عقیده و اثری که با کلیت و جزییات دیدگاه های نظام حاکم در تضاد باشد.
در همین تعریف می بایست اندکی درنگ کرد، زیرا نظام حاکم می بایست چه خصوصیاتی داشته باشد که از نشر و بیان عقیده و اثر مخالف جلوگیری نماید؟ واضح است که نوع نظام های متکی بر مشروعیت عمومی و دمکراتیک نمی تواند این گونه باشد، زیرا ماهیتا این نظام ها بر مبنای عقاید و نشر دیدگاه های گوناگون شکل می گیرد و نوعی از تفکرات مخالف و موافق در ساختار آنها به طور آشکار – و نه مستتر – موجود می باشد. عموما نظام های اقتدارگرا، تمامیت طلب، توتالیتر و مستبد نظامهایی هستند که به صورت پنهان و آشکار از هرگونه نشر آرای مخالف جلوگیری می کنند و در چنین وضعیت های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی ست که پدیده ای مهلک به نام سانسور شکل می گیرد.
سانسور در نوع خود تنها متکی به جلوگیری نیست، فی المثل در دنیای امروز مطالبی که شاید مخالف با مصالح اکثریت باشد یا اخلاق و عفت عمومی را خدشه دار نماید، نیز مشمول جلوگیری می شود، اما این نیز خصیصه نظام های توتالیتر است که مصالح اکثریت یا هر نوع تعالی نگری را تعیین می کند و تنها به این علت که با مصالح اقلیت حاکم در تضاد است، مانع از انتشار می شود.
اما آنچه اکثر حکومتهای سانسورگر بر آن تکیه می کند واژه مهم و کلیدی به نام امنیت عمومی است، که این امنیت عمومی در نگاه این جوامع تعاریف و تعابیر گوناگون دارد و بر مبنای مصالح فرد و اقلیت حاکم تعریف می شود.
امنیت عمومی نه به معنای حفظ و نگهداری اکثریت در برابر آسیبهای احتمالی که به معنای حفظ و پاسداری از ایدئولوژی و تفکرات جریان حاکم است، که خود را در لباس واژه های مختلف از جمله "امنیت عمومی" به نمایش می گذارد.
پس در نتیجه مفاهیم نیز در جوامع استبدادی بر مبنای نوع رفتارهای جریان حاکم معانی دیگری میابد. در چنین جوامعی دستورالعمل های بیان در راستای ایدئولوژی کل گرا تعریف می شود و بیان و نشر آن نیز می بایست بر همان مبنا شکل بگیرد تا جائیکه عدول از آن دستورالعمل ها می تواند عواقبی را در بر داشته باشد.
اما سانسور به خودی خود مشکل اساسی نیست، در جوامع استبدادی تنها حذف و جرح و تعدیل مطالب نیست که خالق اثر یا ناشر عقیده رات هدید می نماید، بلکه عواقب سانسور، به عنوان مجازاتهای بعد از انتشار یا حتی قبل از نشر نیز مهم می باشد.
در واقع سانسور بازدارنده نیست بلکه عواقب کیفری نیز برای بیان دارد و این عواقب خود بحرانی را به عنوان بحران مجازات بیان مطرح می نماید. آن چنان که در قرون وسطی مشکل تنها بیان عقاید ضد کلیسا نبود بلکه عواقب اینگونه بیان بر مبنای نوع تفکر کلیسا نیز مطرح بود که مجازاتهای آن زمان با توجه به ساختار سانسور، ساختار کیفر را نشان می دهد.
اما حال بحث این گونه مطرح می شود که در چنین جوامعی که کنترل سازمانهای مختلف در دست قدرت حاکمه است، چه نوع تازه ای از بیان شکل می گیرد؟ که این نوع تازه خود و تنها بعد از گذشت یک نسل خالق سانسور می شود.
از همین نکته وارد بحث سانسور گر می شویم، شخص یا سازمانی که بر مبنای دستورالعمل های تعریف شده از سوی دستگاه حاکمه اقدام به عمل سانسور می نماید را سانسورگر می نامند، اما آیا این فاعل ماجرا خود یک پدیده فکری نیست. سانسورگر نه به عنوان یک کنترل چی بلکه به عنوان یک اندیشه عمل می کند که بایدها و نبایدها را در زمان و بر مبنای اندیشه خود بیان می نماید. اگر الف امروز به عنوان نقطه تحریم مطرح می شود او تا حرف ی را نیز مشمول تحریم می داند زیرا او باور دارد بیان به هر شکل امکان عدول از قاعده را دارد.
اینگونه است که سانسور به عنوان یک پدیده تنها نمی توان تابع یکسری قواعد مشخص باشد، زیرا پدیده دوم یعنی فاعل عمل نیز خود وضعیتی تازه را در هر اثر خلق می نماید. استبداد در تمامی اجزاء جامعه خود را نشان می دهد، خشونت های خانگی، آموزش و پرورش، اشتغال و حتی سانسور که می توان نتیجه گرفت که افراد در جوامع استبدادی خود نقطه فاعل سانسور می گردند تا از این ره آورد و به طور ناخودآگاه اثری خلاف چارچوبهای رایج خلق نگردد، یا اندیشه ای بیان نشود.
سانسور در طولانی مدت نیز اثر خود را در جامعه می گذارد و روزی می رسد که دیگر فرد فرد جامعه چیزی به غیر از چارچوب کل گرای ایدئولوژی حاکم نمی بینند و در نتیجه بیانی غیرشکل نمی گیرد، در چنین جوامعی که بیان غیر، شکل نگیرد، سانسور معنایی کلی تر می گیرد و جامعه به روزی می رسد که هر فرد خود سانسورگر رفتار و اندیشه ها و زبان خود می شود و جامعه به اضمحلال در بیان خواهد رسید و دیگر آن روز هیچ تعریف هیچ می شود و هیچ تعبیر هیچ .

در نسبت میان آگاهی و رخ زردی

خلیل موحد

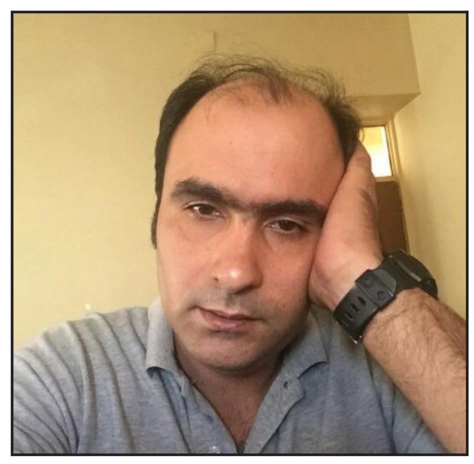
تقدیم به روان تابناک احسان فروزانی

حسرت و زاری، گه بیماری است
وقت بیماری، همه بیداری است
هرکه او بیدارتر پردردتر
هرکه او آگاه تر رخ زردتر



پس بدان این اصل را ای اصل جو
هر که را دردست او برده است بو
(مثنوی، دفتر نخست، بیت های ۶۲۳، ۶۲۹ و ۶۲۸.)

میان حسرت و زاری با بیماری، بیماری با بیداری، بیداری با دردمندی و آگاهی با رخ زردی چه نسبتی حاکم است؟ آیا این مقولات در چارچوب مناسبات علی و معلولی و کنش و واکنشی تعریف و تبیین می شوند و یا این که این پدیده های روان شناختی- جامعه شناسی را باید جزایری مستقل و گسسته از یک دیگر پنداشت؟
در پاسخ به این پرسش چنین می نماید که به باور مولانا میان این رفتارها ربط وثیقی وجود دارد؛ چه در این خوانش که از یک سو در پارادایم (سرمشق) معرفت شهودی و نگاه عرفانی به عالم و آدم ریشه داشته و از دگرسو نمودار چند و چون فهم روان شناختی و بینش جامعه شناختی مولانا می باشد؛ جلال الدین بلخی اشک و آه و حسرت زدگی را که هنگام ظهور و بروز بیماری در ساحت تن و جان انسان پدیدارمی شود نه رخدادی به حتم ویرانگر، بلکه آن را مولد بیداری و آگاهی که خود پدیده ای میمون است تلقی می کند.
اغلب آدمیان زمانی که در کمال بهداشت روانی، شادابی روحی، ورزیدگی ذهنی و کارآمدی جسمانی زیست می کنند چه بسا به ندرت و نیز اندک عنایتی به نقش بی بدیل بود یا نبود این سرمایه ها در بخت یاری و نابخت یاری خویش دارند؛ اما هنگامی که به هر دلیل ذهنی و یا علت عینی، درد و رنجی در درون شان جوشیده و یا به اکراه و اضطرار محبور می شوند از کنشگری آسیب زا در مملکت وجود خود میزبانی کنند؛ آن گاه است که شاید نور توجه در پهنه ی وجودشان تابیدن می گیرد و در تراز ظرفیت فکری و روانی خود، در پرده های غفلت و غیبت از واقعیت شکنندگی هستی آدمی، پاره گی انداخته و یا به تمام، آن پرده های فراموشی را پس می زنند. این هنگام اما هنگام زایش و یا رویش آگاهی است. معرفت به اینکه افزون بر فراز، نشیبی نیز هست و پستی ها و بلندی ها در حد و قواره های متفاوت همزاد آدمی اند. و این گونه نیست که مدار وجود همواره به کام ما در گردش باشد!
بیداری اما به ویژه از جنس اجتماعی خود در جایی دیگر به تولید درد و محنت می پردازد و هرچه گستره و عمق نرخ بیداری و هشیاری فزون تر باشد، اندوه ورنجبری نیز دامنه وعمق بیشتری می یابد. آگاهی اجتماعی نیز با رخ زردی و پریشان خاطری دردمندانه و مسئولانه رفیق گرمابه وگلستان اند. تماشای فقر، جهل، بردگی و بندگی، و ادراک رنج ها و مصائب خلق، خود بن مایه ی اصلی آلام وجدانی انسان های آگاه، آزاده، ژرف اندیش، مسئول و متعهد، و بشردوستان راستین و ناریاکار است.
اصحاب نادانی و یا ارباب تجاهل اجتماعی اما چون به هر دلیل و علت در فردیت خویش حبس و افق نگرش شان از مرزهای منافع عادلانه و یا ناعادلانه ی خویشتن عبور نمی کند، پس برای آنها نگرانی از سرنوشت دیگرانی که زیرسلطه ی ستم، زیست فلاکت باری را تجربه می کنند، در مراتب خرد

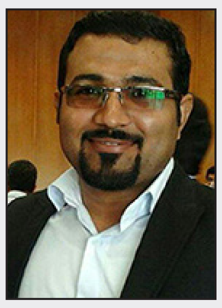


و کلان، امری منتفی است. و گفتن ندارد که نان ساختارهای سیاسی غیردمکراتیک و بیدادگر در روغن ناآگاهی مردم و جلوگیری از گردش آزاد اطلاعات چرب میشود.
انسانهای آگاه حامل درون های پردغدغه اما چگونه افکار اندیشناک و در عین حال شکوهمند خود را برای رهایی بشریت از بیداد اهریمن استبداد سیاسی و مذهبی، استعباد و بردگی فکری، استثمار و بهره کشی اقتصادی و استحمار و تحمیق فرهنگی، در عرصه ی عمومی عملیاتی می کنند؟ این جماعت به روشهای گوناگون مانند گفتن، نوشتن، انجام مصاحبه و انتشار باورهای خود در رسانه ها، نوشتن بیانیه ها و نامه های فردی و گروهی، حضور در اجتماعات انتقادی و اعتراضی، ساختن آثار هنری، حضور در نهادهای مدنی و سیاسی مستقل از ساخت قدرت، می کوشند به رسالت خود رفتار کنند.
اما هستند دلواپسانی که گرچه بر اساس اصل بیان شده از سوی مولوی دردمندی شان بیانگر این است که به بحران های خلق بو برده اند؛ ولی مجال چندانی برای آفتابی کردن آمال خود نیافته و نتوانسته اند که آن چنان که باید آرزوها و دلشوره های تلنبارشده در ضمیر و ذهن خود را سرریز خارج و حوزه ی عمومی نموده تا هم بیش تر به وظایف انسانی خود عمل کرده و هم از فشار بی امان و سهمگین روانی بر دل و دماغ خویش بکاهند.
احسان فروزانی که این نوشتار برای پاسداشت روح پرفروغ او نگارش یافته، به رغم اینکه فقط سی و پنج بهار را در زیست این جهانی خود تجربه کرد! تا آن جایی که دیدارهای مستقیم و نیز اطلاعات با واسطه، به نگارنده آگاهی می دهد، مانند بیش تر دانش آموخته های رشته های فنی و مهندسی این زمانه که سر در جیب تخصص و کار و بار خود دارند، فقط یک مهندس محض و بریده از دلبستگی های مسئولانه ی اجتماعی نبود. و به احتمال، همین دغدغه ی پرشکوه انسانی او را به قلمرو مطالعات تاریخی، فلسفی و ادبی رهنمون کرده بود تا تئوری های کلان گفته شده در باب جهان و انسان را نیز پیوست آموخته های تخصصی خود کند. احسان انسانی بود سرشار از هوش، دانش، درد و دغدغه برای آدمیان و حسّاس در برابر نامردمی ها. میان آرمان های والای انسانی و دادخواهانه ی او با وضع موجود ولی دره ی عمیقی فاصله انداخته بود. و احسان به سان دیگر آرمان گرایان آزادی طلب، عدالت دوست و ضد استبداد برای پرکردن آن دره، در جغرافیای داشته های خود اما کوششی ناکام داشت. و شوربختانه چنین مینمود که توان روانی احسان نازنین ما در ذیل این اوضاع نامیمون قرار می گرفت و تاب تحمل را از وی ربوده بود.
احسان با وجود مالکیت درخور دارایی های علمی و مطالعاتی و بی نیازی مادی، انسانی فروتن و عاری از خود برتربینی نسبت به دیگران بود. و به گفته ی یکی از نزدیکان آن عزیز، احسان نسبت چندانی با این جهان نداشت. بدرود بسیار زودهنگام او نه فقط برای خانواده ی گرامی آن شادروان؛ بلکه برای همه ی کسانی که کم و بیش با او و یا با خانواده ی ایشان آشنایی داشتند، بس، باورنکردنی، شوک آور و سهمگین بود! و پایان سخن با این سروده ی آسمانی حافظ.

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی
در سینه های مردم عارف مزار ماست

ضرورت جبران هزینه های آلودگی هوا برای مردم عسلویه

ناصر بوهندی



وضعیت آلودگی شدید عسلویه در روزهای جاری در اغلب رسانه ها دیده شد و واکنش های زیادی در برداشت. اگرچه آلودگی ها در تمام روزها وجود داشت اما رسانه ها تاکنون به آن نمی پرداختند، ولی این بار آنچنان آسمان سیاه شد که رسانه ها ناچار به روشن کردن این سیاهی سمی شدند.
در جریان آتش سوزی در پتروشیمی مبین که تامین برق خیلی از شرکت های همجوار را برعهده داشت باعث وارد شدن خسارات زیاد مادی به اقتصاد پارس جنوبی شد و میلیاردها اسکناس بالقوه دود شد. اما ،تنها شرکت های مستقر در منطقه نبودند که ضرر کردند بلکه جان ساکنان اصلی این منطقه هم بیش از پیش سوخت و می سوزد.
آری در این روزها ما شاهد افزایش بیماریها و مراجعات مردم به بیمارستان ها و مراکز درمانی هستیم. سختی تنفس و وجود دودهای غلیظ شیمیایی در آسمان منطقه، بیماریهای تنفسی و پوستی را تشدید می کند. این آلودگی بی سابقه برای زنان باردار شهرهای نزدیک مانند نخل تقی و عسلویه و بیدخون بسیار خطرناک بود و از این قبیل آسیب ها را می توان تا کیلومترها جلوتر پیدا کرد.
حق طبیعی و قانونی مردمان نجیب این دیار جبران هزینه های ایجاد شده است و این یکی از مطالبه های برحق مردم منطقه عسلویه است. مطالبه ای که مصوبه مجلس دارد و قوانین مختلف و بخشنامه ها آنرا نیز تایید می کنند و می طلبد که همه ی مسئولان برای تحقق این مهم اقدام کنند.
خوشبختانه خانم الماسی وکیل مردم منطقه عسلویه در مصاحبه اخیر خود گفتند: «وقتی سلامتی مردم در میان است با کسی تعارف ندارم/ به طور جدی پیگیر آلودگی عسلویه هستم».
ضمن تشکر از نماینده دلسوز، یقین داریم ایشان توانایی و شایستگی اخذ این عوارض و جبران خسارت آلایندگی را به مردم دارد.
با توجه به موقعیت استراتژیک منطقه عسلویه بی شک عده ای هستند که در بیرون و داخل می خواهند از این آب گل آلود ماهی گیری کنند و دولت را در رسیدگی به حال مردم ضعیف نشان دهند. ولی دولت باید آگاهانه عمل کند و نسبت به انجام این مهم رسیدگی ویژه کند.
شخص آقای روحانی هم می داند که ۹۵ درصد ساکنان بومی عسلویه به وی رای داده اند و امروز هم امید به تدبیر دولتش بسته اند.
در پایان هم پیشنهاد می شود هزینه های اخذ شده مستقیما به تک تک افراد ساکن در این منطقه برسد تا خرج درمان و مخارج پزشکی خود کنند، نه اینکه به موارد دیگر مانند ساخت پروژه ها یا به حساب شهرداری ها واریز شود تا با آسفالت چند خیابان به عملکرد شهرداران بدل شود.

گزارش فیس بوکی استاندار از سفر معاون اول رئیس جمهور به بوشهر

استاندار بوشهر در صفحه شخصی خود در فیس بوک، گزارشی از سفر معاون اول رئیس جمهور به بوشهر ارائه نمود. متن یادداشت دکتر سالاری را می خوانید:
بنام خدا
گزارش کار
با سلام، امروز، دکتر جهانگیری معاون اول محترم رئیس جمهور برای شروع عملیات اجرایی ۲ نیروگاه جدید اتمی در بوشهر، مهمان استان بودند.
ساعت ۶ و نیم صبح به دفتر آمدم. موضوعات قابل پیگیری، مکاتبات با ایشان در مورد راه آهن، ته لنجی، مسئولیت اجتماعی و اشتغال متقاضیان استان در نیروگاه، تسریع در ابلاغ اعتبارات تکمیلی از مدیریت بحران برای بیمارستان برازجان را نهایی کردم. محور صحبت های خودم در شورای اداری را تنظیم کردم و ساعت ۷:۴۰ جهت استقبال از آقای دکتر جهانگیری عازم فرودگاه شدیم.
پرواز ساعت ۸:۳۰ به زمین نشست. دکتر فرهادی وزیر علوم، قائم مقام وزیر خارجه و چند نفر از معاونین، همراه معاون اول بودند که پس از استقبال و مصاحبه تلویزیونی، با اتوبوس عازم نیروگاه شدیم.
از بابت رفع مشکلات هلیله و بندرگاه که پس از دستور رئیس جمهور در سفر دیماه ۹۳ به استان و مطالعات، طراحی و تدوین راهکارها- با دستور ایشان در جلسه ۹۵/۳/۵ هیئت دولت و تعیین کمیته ۵ نفره، نهایتاً هفته گذشته به تصمیم خوبی منتهی شده بود، تشکر کردم. در مورد احداث بیمارستان قلب بوشهر، در حضور ایشان با دکتر صالحی، صحبت کردم. پارسال تفاهم نامه ۳ جانبه ای را با دکتر صالحی و دکتر هاشمی (وزیر بهداشت) برای احداث آن بیمارستان مبادله کرده بودیم.
البته پریروز هم تلفنی با دکتر صالحی صحبت کرده بودم و قول داده بودند که ظرف یکماه، به اتفاق وزیر بهداشت به استان بیایند و رسماً



عملیات اجرایی پروژه را شروع کنند. علی ایحال، خوشبختانه با حسن نظر همیشگی دکتر صالحی، در حضور معاون اول، احداث بیمارستان قطعی شد.
در نیروگاه، دکتر جهانگیری، بازدید مختصری از نیروگاه نمودند. سپس شروع عملیات اجرایی (کلنگ زنی) انجام شد و به سالن مراسم رفتیم.
دکتر احمدیان، دکتر صالحی، مدیرعامل شرکت روس اتم و نهایتاً دکتر جهانگیری صحبت کردند. از دکتر صالحی نیابت گرفتم که از طرف ایشان، احداث بیمارستان قلب را در جلسه شورای اداری اعلام کنم، زیرا خودشان بایستی همراه مقام روسی می ماندند.
قبل از ورود به سالن جلسات، ۳ نفر از اهالی هلیله و بندرگاه، از دکتر جهانگیری بابت رفع مشکل ۴۲ ساله روستاها تشکر کردند.
ساعت ۱۱:۲۰ جلسه شورای اداری را شروع کردیم. مقدمه ای راجع به پروژه های شاخص اقتصاد مقاومتی که امسال به بهره برداری می رسند (پتروشیمی متانول کاوه دیر، کارخانه سیمان دشتی- احتمالاً فروردین یا اردیبهشت- ماهی در قفس دشتستان، کود شیمیایی فسفات بوشهر و ...) و طرح های کلان اقتصادی که امسال شروع می شوند (پتروشیمی دشتستان، صنایع پتروشیمی در منطقه ویژه شمال استان و ...) توضیحی دادم و سه طرح عظیم پیشنهادی اقتصادی (طرح تحول کشاورزی دشتستان، ساماندهی ته لنجی، ساماندهی اشتغال پارس و ...) را اعلام کردم. پروژه های کلان عمرانی که امسال به بهره برداری می رسند (بزرگراه گناوه- دیلم، بزرگراه کمربندی کنگان به طول ۳۲ کیلومتر، بیمارستان دیر، دهکده گردشگری ساحلی کنگان، قطعه اول خروجی دوم بوشهر، باقیمانده بزرگراه برازجان- گناوه و ...) را تشریح مختصری کردم. سپس آیت الله صفایی بوشهری صحبت کردند. در ادامه جلسه، حاج آقا خدری نیز برخی مسایل استان نظیر ته لنجی، لزوم احداث بیمارستان هسته ای، تعیین تکلیف هلیله و بندرگاه و ... را بیان کردند. آقای عوض پور گزارش خوبی از حوزه اقتصاد مقاومتی استان دادند. نماینده اتاق بازرگانی مطالبی را ذکر کردند و نهایتاً دکتر شهریاری سخنان مختصری در مورد لزوم بهره مندی استان از حضور صنایع بیان نمودند.
دکتر جهانگیری در مورد بیمارستان تخصصی قلب تأکید کردند و به مزاح گفتند که استاندار در اتوبوس برای احداثِ بیمارستان با دکتر صالحی «کَل کَل» کردند. در مورد دو روستای هلیله و بندرگاه گفتند که این موضوع توسط استاندار در جلسه ۹۵/۳/۵ هیئت دولت مطرح شد و تصمیم گرفته شد و اینکه الحمدالله مشکل حل شده است.
در مورد راه آهن، نظرشان مثبت بود و گفتند که قطعاً باید احداث شود و استاندار روش های تأمین مالی را پیگیری کنند و حمایت می کنیم تا بتوانیم اقدام کنیم.
در مورد ته لنجی هم، موضع مدبرانه و مردمدارانه ای گرفتند.
ساعت حدود ۱۳:۳۰ عازم فرودگاه شدیم. برای طرح مواردی از مسایل استان که در جلسه فرصت یا مجال و فضای طرح نبود، همراه آقای دکتر جهانگیری عازم تهران شدم. در پرواز، راجع به بیمارستان برازجان، بیمارستان قلب و اشتغال نیروگاه صحبت شد و در مورد ته لنجی، قرار شد جلسه بگذارند. در مورد راه آهن، مکاتبات را به ایشان دادم و مقرر شد برای یافتن راهکار مالی، دستور بدهند. حدود ساعت ۱۵:۲۰ به تهران رسیدیم. خداحافظی کردم و در فرودگاه ماندم تا با پرواز ۱۶:۲۰ به بوشهر برگردم. ساعت ۱۸:۲۰ به بوشهر رسیدم و به دفتر رفتم. چند نامه را نهایی کردم. گفتم جلسه ای برای اجرای طرح ساماندهی هلیله و بندرگاه با معاونین سیاسی و عمرانی، مدیران آبفا، برق، بنیاد مسکن، آموزش و پرورش، علوم پزشکی و نوسازی مدارس برای فردا تنظیم کنند، و حاج آقا خدری نماینده مجلس هم دعوت شوند و برنامه های فردا (یکشنبه) را مرور و نهایی کردم و ساعت ۲۱ دفتر را ترک کردم.
سربلند باشید، سالاری

مجمع عمومی

جلسه مجمع عمومی و انتخابات هیئت مدیره و بازرسین کانون هماهنگی شورای کار استان بوشهر در تاریخ روز یکشنبه ۹۵/۷/۲۰ ساعت ۱۰ صبح در ساختمان کانون برگزار می گردد در ضمن متقاضیان جهت کاندید شدن تا تاریخ ۹۵/۷/۱۰ تقاضای کتبی خود را به هیئت مدیره کانون تحویل نمایند.

هیئت مدیره کانون هماهنگی شورای اسلامی کار استان بوشهر

سالگذشت کوچسوگ استاد حسن زنگنه

حیدر عرفان



یار، یار –
ای یار
رفتی و
من ماندم و رسوایی سر بازار،
اندر فراق غم هجران
چه سخت و ناشکیب حتا که رامش و نرمش
دار و دیدار،
چو شهدنوش
مروا- نه- مرغوا،
نه سزاوار
ای شگفت
از این زمخت سرای
نتوان به نیوه و ناله
بسنده کرد.
گفتم دریغاگویم شود روزی ای کاش
خوش بادت آن که سرایت
و جایت پردیس جاودان
ای یار یار

***

منوچهر آتشی

همه جا می بینمت
به درخت و پرده و آینه
نمی دانم اما
تو مرا دنبال می کنی
یا من ترا
ای چشم شیرین زیبا
به گلها می بینیم و می بینمت
به گلها نشسته ای و می بینیم
بر آب می نگرم و می بینمت
در آب می لرزی و می بینیم
تو مرا جست و جو می کنی یا من ترا ای چشم شیرین دلربا
همه رویاهایم را نیلوفری کرده ای
و همه خیال هایم را به بوی شراب آغشته ای
همه جا
گرمای خانه و جان و جهان است حضورت
ولی چشم که باز می کنم
نمی بینمت دیگر
با آن که می دانم
تو می بینیم همه جا
من شیدای توام
یا تو مرا گرفته ای به بازوی سودا
ای چشم شیرین بی پروا

***

تو مثل لاله ی پیش از طلوع دامنه ها
که سر به صخره گذارد
غریبی و پاکی
ترا، ز وحشت توفان، به سینه می فشرم
عجب سعادت غمناکی

یادداشتی بر رمان «تب نوبه» اثر محسن شریف

بازتولید تاریخ تب

سعید بردستانی – داستان‌نویس



محسن شریف را با مجموعه داستان «ورار» و رمان‌های «آس نحس»، «فصل‌های تکراری» و «سال‌های صبر» می‌شناسیم. «تب نوبه» پنجمین اثر و چهارمین رمان این نویسنده پیشکسوت بوشهری است.

«تب نوبه» پس از چند سال کش و قوس در اواخر سال ۹۴ توسط انتشارات «افراز» منتشر شد. اما داستان «تب نوبه» چیست؟ «تب نوبه» داستان سرزمینی تب کرده و خشن به نام «ایالت» است که بر مبنای رسوم و قواعد جعلی بنا گذاشته شده و همه چیز آن را با دروغ و ریا به تاراج برده‌اند. این ایالت با اینکه تمام نشانگان اقلیم جنوب را در خود دارد و آشناست، اما در عین حال ناآشناست. چرا که نویسنده از تمام عناصر آشنازدایی کرده و جنوب خودش را بنا کرده است. به عبارت دیگر نویسنده مثل یک خداوندگار ابتدا زمان و تقویم زمانی خود را می‌سازد: «این جور شنبه‌ها را اصلا نمی‌شد با تاریخ ایالت میزان کرد، اما هر از گاهی مقدر می‌شد. اول به یک پیش درآمد فریبنده، به افسونی مثل نوازش جادو تا بد به دل نیاید. بعدش طرح دمغ زمان توی سکوت سنگین، توی تنفس گرم و جنبش نیمه‌کاره و زمان خیالاتی می‌شد، در خود فرو می‌رفت.» و سپس به کار ساختن زمین و سرزمین خود مشغول می‌شود «بعدتر، کمی مانده به چموشی زمین نسیم خنکی می‌وزید، طلایه‌دار حادثه کاری و ناگهان تمام دست‌ها روی کلاه و صورت برمی‌گشت. گاهی هم آفتاب از بام سرپله پایین‌تر می‌آمد، مثل برات جهنمی و گرما به دل می‌زد.» و در این راه سعی می‌کند استانداردهای قراردادی خودش را بر سرزمین جدید حاکم کند. روابط، مشاغل، وظایف، آدم‌ها، طرح‌ها، توطئه‌ها و همه چیز بازتعریف می‌شود. کاری دشوار که ساختن ماکوندوی مارکز و یوکناپاتافا فاکنر و بارسِت شایر ترولوپ را به یاد می‌آورد.

اما نویسنده می‌داند که ابزار محوری بازساخت و بازتعریف یک جغرافیای جدید، زبان است؛ زبانی که ضمن آشنا بودن باید ناآشنا و شاید مرموز باشد؛ زبانی که ضمن حفظ ریشه‌ها باید از نو ساخته و پرداخته شود. برای حفظ ریشه‌های زبانی، نویسنده دو ساحت زبان فولکلور و زبان کهن را در اختیار دارد و برای بازتولید، سبک نگارش و تجربه آثار پیشین خود را . نویسنده در این رمان با ارائه دایره وسیع واژگانی تا حد زیادی موفق می‌شود ضمن چنگ انداختن در همیان زبان کهن از یک سو و فولکلور از سوی دیگر، عبارات و ترکیبات تازه‌ای را نیز فراچنگ آورد که گویا اولین بار است به مخاطب عرضه می‌شود. برای نمونه در کنار واژگان کهنی مانند پارینه، پیرارینه، دلپری، جرثومه، عصاری، وسطا، نُکول، هَنَک، و واژگان فولکلوریِ مانند: پَهن و پُشور، علف توله، پوشَن، گله گوسه، وهچیره، پرنج، تلگدون، گردنباری، سمات، پِشنگه، مروا، پَسَندر، پریزه، شهکه، لُمبه، زچ و... چنین ترکیبات و عبارات تازه‌ای را هم می‌توان دید مانند: باران همه‌شَهره، چهره گل از گلش شکفته، مشتوازی، جناس ورزانده، بخار جربزه، شهکه پُرمدعا، ویار خودگردانی، ترکه واکرخیده و... . زبان در رمان «تب نوبه» ادامه همان زبان خاص شریف است که زبانی است پرداخته و آراسته به استعاره، کنایه، نشانگان، واج‌آرایی، تضاد و...؛ زبانی که بیشتر سویه‌های شاعرانه دارد تا روایت‌گرانه؛ زبانی که برای روایت هیچ شتابی ندارد، بیشتر توصیفی است تا نمایشی و به جای حرکت خطی اغلب حرکت در مدارهای بسته را نقشه راه خود می‌کند.



اما زبان در این اثر برای ترسیم جهانی که در حال بازتولید آن است به جای اینکه رویکردی آشکارسازانه داشته باشد، رویکردی پنهان‌کارانه دارد، چرا که با جهانی سر و کار داریم که آزار سرتاسر آن را فراگرفته و سخن گفتن از جنبه‌های ریاکارانه آن کار سهلی نیست. از این لحاظ «تب نوبه» رمانی دشوارخوان است. در واقع نویسنده کلام را در لفافه پیچانده تا به گوش اغیار نرسد. نویسنده در چنین فضایی دلمشغول تاریخی است که بر سرزمینی تب کرده رفته و هیچ کس سخنی از آن نمی‌گوید، اما درست مانند نقال رمان از این تاریخ تب، هم می‌گوید و هم نمی‌گوید.

نسبی نگری در اشعار منوچهر آتشی

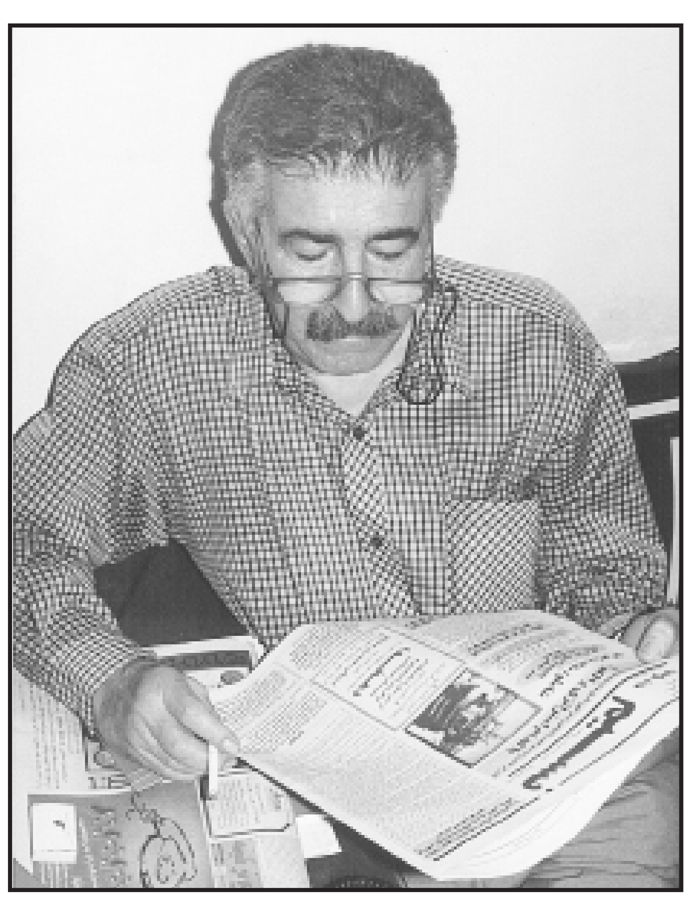
به مناسبت دوم مهرماه سالروز تولد منوچهر آتشی

محمدامیر مشهدی

یکی از مهمترین زاییده های تفکر مدرن، نسبی نگری، عدم قطعیت، جزمیت و تکثرگرایی در نحوۀ نگرش نسبت به پدیده ها و موضوعات پیرامونی است. از این زاویه آتشی یکی از مدرنترین شاعران امروز ایران است. بررسی دوره های شعری آتشی ثابت می کند که او از آن دسته شاعرانی نیست که تحت یک الگوی زبانی و بیانی خاص و تغییرناپذیر به حیات شاعری خود ادامه دهد. برخلاف شاعرانی نظیر شاملو که شاعری عاشقانه سرا و سیاسی است و یا فروغ فرخزاد که شاعری اجتماعی و آرمانگراست و آرمانخواهی او تا پایان عمر همراه او است و یا اخوان ثالث که شاعر شکست و ناامیدی و عشق ورزیدن به ایران باستان است، یا دیگر شاعران امروز ایران که یک جنبه از عواطف شعری در شعرشان غلبه دارد، شعر آتشی زیر سایۀ ایدئولوژی و آرمان هایش گم نمی شود و همگام با جامعه پیش نمیرود. شعر وی همانند اشعار دیگر شاعران مدرن و روشنفکر جهان راه تازه ای می گشاید و از جامعۀ خود فراتر حرکت می کند تا دنیای زیباتری را بیافرینند. آتشی در هر دورۀ شعری، زبان و بیان شعرش تغییر می یابد و مدام پوست می اندازد و مدرنتر می شود. بنابرهمین دلایل، آتشی را شاعری «نسبی نگر» و «مدرن» معرفی می کنیم. برای تشریح بهتر این ویژگی با نگاهی کلی به اشعارش در می یابیم که او حداقل دو دورۀ مختلف شعری را از حیث زبان و تفکر در کارنامۀ خود دارد. دورۀ اول: اشعار اقلیمی ـ حماسی؛ دورۀ دوم: اشعار شهری ـ غنایی.

دورۀ اول شامل سه مجموعۀ آهنگ دیگر، آواز خاک و دیدار در فلق میشود. در این دوره ذهن و زبان شاعر متأثر از شرایط اقلیمی و طبیعت وحشی جنوب است که بسیاری از عناصر بومی به شعرش راه می یابد. آتشی در این دوره، شاعری اجتماعی و متأثر از طبیعت و اقلیم زادگاهش است که شعرهای برجسته ای نظیر «خنجرها، بوسه ها و پیمان ها» و «ظهور» را می سراید.

اسب سفید وحشی/ برآخور ایستاده گرانسر/ اندیشناک سینۀ مفلوک دشت هاست/ اندوهناک قلعۀ خورشید است/ با سر غرورش، اما دل با دریغ، ریش/ عطر قصیل تازه نمی گیردش به خویش/ اسب سفید وحشی، سیلاب دره ها/ بسیار از فراز که غلتیده درنشیب/ رم داده پرشکوه گوزنان.../ اسب سفید وحشی! مشکن مرا چنین/ بر من مگیر خنجر خونین چشم خویش/ آتش مزن به ریشه خشک سیاه من... (آتشی، ۱۳۸۶:۲۶).



همانگونه که از شعر بر میآید، شعرهای دورۀ اول او لحنی حماسی، مبارزه جویانه همراه با شکست و نومیدی دربردارد و طبیعت وحشی جنوب را میتوان در آن حس کرد. در سراسر این شعر که قسمت هایی از آن آورده شد، عناصر اقلیمی و طبیعت جنوب موج میزند.

در شعر «ظهور» که از دردها و زخم های «عبدوی جط»، که به نماد فردی آزادیخواه ومبارز در این شعر بدل گشته است و برای محقق شدن عدل و داد تلاش می کند، پرده برمیدارد، زبان و بیان این شعر نیز لبریز از واژه های بومی و عناصر اقلیمی است و از نظر صرف و نحو دستوری از دستور زبانی کهن تبعیت می کند که به باستان گرایی در واژگان گرایش میابد.

عبدوی «جط» دوباره می آید./ ـ با سینه اش هنوز مدال عقیق زخم،/ از تپه های آن سوی گردان خواهد آمد/ از تپه های ماسه،/ که آنجا/ ناگاه/ «ده تیر» نارفیقان گل کرد/ و ده شقایق سرخ بر سینۀ ستبر «عبدو»/ گل داد./ بهت نگاه دیرباور عبدو، از تنگ چین شال/ باور نمی کنند:.../ دیگر پلنگ «برنو» عبدو/ در «کُچّه»، نیست منتظرِ قوچ ایل... (۲۳۶-۸ :همان).

اما در شعرهای دورۀ دوم او که از مجموعۀ وصف گل سوری آغاز میشود، نوع نگاه و بینش شاعر به «طبیعت» و «انسان» متفاوت تر و عمیق تر می گردد. خود نیز در مقدمۀ وصف گل سوری و زیباتر از شکل قدیم جهان اشاره می کند که دنیا رنگ های مختلف دارد. ما نباید از «کنار جهان» بگذریم، بلکه باید از «درون جهان» بگذریم و لازمۀ این کار،«این همانی» با جهان است و اینکه ما نقطۀ مقابل طبیعت نباشیم، بلکه با آن یگانه شویم و طبیعت هم با ما یگانه شود. این دسته از اشعار که شعرهای دهۀ هفتاد شاعر را شامل می شود، در مجموعه های چه تلخ است این سیب و زیباتر از شکل قدیم جهان به اوج میرسد و نگاه جهان شمول و مدرن شاعر را چه در فرم و چه در محتوا بازتاب می دهد.زبان و بیان شعرهای این دوره به سمت عناصر شهری ـ غنایی پیش می رود و از عناصر بومی و اقلیمی تا حدی فاصله می گیرد.

برابر آن دهان هراسان/ که واژه را به ابتدای جهان می آراید/ برابر آن کلام شتابان که از دهان هراسان برمی آید/ که واژه را به ابتدای علف می آشناید/ که از زبان سنگ کلام سرخ می آغازد/ پرپر میشود شقایقی/ عطری به صدای تیهو گره می خورد/ و آویشن کمرآویز، عطسه می انگیزد از دره/ و یکسره دنیا به عطسه درمی آید/... / برابر دهان هراسانت به انتها می رسد زمان و به انتها برمی گردد جهان/ و من/ سراسیمۀ سنگ ها می شوم/ که نامی دوباره بیابم مناسب اندوهم/ و آویشن کمرآویز و نرگس کوهی و سوت تیهو را/ گره بزنم به طرۀ آزاده ای/ که بی قراری می کند بر پیشانی نمناک/ و نامی یگانه می طلبد برای تمامی تشویش های جهان (آتشی، ۱۳۸۶ ،ج۱ :۸-۶۹۷).

دورۀ سومی هم برای شعر آتشی می توان در نظر گرفت که شامل شعرهای دهۀ هشتاد وی می شود. البته با اندکی تسامح، شعرهای دهۀ هشتاد او را جزء شعرهای دورۀ دوم یا مدرن او میتوان به شمار آورد. شعرهای دهۀ هشتاد آتشی را که شامل مجموعه های خلیج و خزر، حادثه در بامداد، غزلِ غزل های سورنا، بازگشت به درونِ سنگ و اتفاق آخر است، جزء شعرهای فرامدرن یا دورۀ سوم او به حساب می آورند که از نظر زبانی، این شعرها نسبت به شعرهای دورۀ دوم چندان تغییری نمی کند، اما از نظر نوع نگاه شاعر، بازگشتی دوباره به طبیعت اولیه با نگرشی جهان شمولانه تر می بینیم که اسطوره و تخیل وطبیعت با هم آمیخته می شوند و به تشریح جهان و آفرینش همراه با همۀ پیچ و خم های تودرتوی آن برمی آیند.

افلیای سپید تردانَدام/ به رودخانۀ شعر «رمبو»/ ـ دیدی درست گفتم!/ ما تا رمبو هم آمدیم ـ من و هاملت ـ با «آتشی» هم/ اکنون گوش به امروز فرا ده:/ من با قطار می گذرم در امتداد دانوب و کارون/ به بیشه های دور گوش فرامی دهم/ هنوز/ طنین نی لبک چوپانان به گوش میرسد/ و «موز»های زئوس/ گرد آنها ـ ناپدید ـ چمباتمه زده اند... (همان، ج۲ :۱۶۷۰).

منابع
آتشی، منوچهر (۱۳۸۶). مجموعه اشعار، دو جلد. تهران: نگاه.

رئیس انجمن سینمای جوان استان بوشهر:

تحول در فرم و فضای کالبدی انجمن سینمای جوان استان بوشهر



رئیس انجمن سینمای جوان استان بوشهر در مراسمی که به مناسبت روز سینما در محل این انجمن برگزار شد گفت: ساخت فیلم کوتاه بر پایه یک اتفاق و درنگ در اندیشه است، پیچیدگی بصری ندارد و نیاز به نگاه هالیوودی به آن نیست. فیلم کوتاه شاید همین الان در ذهن شما در حال شکل‌گیری ست پس تا دیر نشده دست به‌کاری خلاقانه بزنیم. شاید من فقط امروز یا فردا باشم، ولی تا هستم به شما قول می‌دهم که در کنار شما و با شما در تحول سینمای کوتاه در بوشهر باشم.

به گزارش یارا عبدالرحمن برزگر در ابتدای این مراسم گفت: در هیاهوی رابطه‌ها و دوستی‌ها و دشمنی‌ها، در میان جمع اطرافیان، در کنار عقاید و افکار و نظرات و اندیشه‌های متفاوت، بد نیست گاهی سری به خلوت تنهایی خودت بزنی. از قالب آن آدم مدنی و اجتماعیِ غرق در رابطه‌ها و رفت‌وآمدها و دادوستدها دربیایی و خودِ خودت بشوی. تنهای تنها، خودت و خدای خودت، در خودت دقیق شوی و زیبایی و زشتی روحت را، زلالی و زنگار گرفتگی دلت را و همه خوبی‌ها و بدی‌هایت را در آینه ببینی که کجای این عالم ایستاده‌ای؟ چه می‌خواهی؟ چه کرده‌ای و حالا چه باید بکنی؟

وی در ادامه اظهار داشت: بعد وقتی‌که به جامعه باز گردی، بیدارتر و هشیارتر خواهی بود و پله‌های کمال را بهتر خواهی پیمود و همراه خوبی، خواهی بود برای آن‌ها که همراه تواند و این جوهر ذاتی انسان در هم‌آوایی با هنر است.

برزگر افزود: سینما و عکس این حس را غلیان می‌دهد وقتی‌که با مطالعه و پژوهش همراه باشد دارای انسجام و مانایی در اندازه‌های خود انسان خواهد بود. قطعاً شما هم مثل من فیلم یا عکسی را تماشا کرده‌اید که سال‌ها در ذهنتان باقی مانده است و هرگاه در کارگاه اندیشه‌ات آن را مرور می‌کنی لذتی خوشایند تو را دست می‌دهد و این همان نیازی‌ست که توسط زیبایی‌شناسی بصری در سینما و عکس مرتفع می‌سازد.

رئیس انجمن سینمای جوان بیان داشت: انجمن سینمای جوانان استان بوشهر با درک این مسئله که بدون شما عزیزان قادر به حرکت نیست، اقدام به تحولی در فرم و فضای کالبدی انجمن زده است تا بتواند با این تغییر، رویکردی دیگر را با شما تجربه کند. جانم به شما بگوید که اولویت در انجمن آموزش و سپس تولید بر مبنای پژوهش است. فیلم‌نامه‌های رسیده برای حمایت و تولید به غیر از چند تای آن هیچ‌کدام رنگ و بوی شناخت از جامعه ندادند، حتی در حوزه عکس. اصلاً راضی‌کننده نیست. باید دست در دست هم نهیم و این نقیصه را با یاری اساتید فن جبران نماییم. به همین مناسبت است که مزاحم دوست ارجمندم جناب آقای دکتر عاشوری نژاد شدیم تا به ما بگوید فرمت‌های یافتن و مطالعه پیرامون جامعه چگونه است تا ما بتوانیم از این پس آثاری فاخر خلق کنیم.

در پایان، برزگر گفت: ساخت فیلم کوتاه بر پایه یک اتفاق و درنگ در اندیشه است، پیچیدگی بصری ندارد و نیاز به نگاه هالیوودی به آن نیست. فیلم کوتاه شاید همین الان در ذهن شما در حال شکل‌گیری ست پس تا دیر نشده دست به کاری خلاقانه بزنیم. شاید من فقط امروز یا فردا باشم، ولی تا هستم به شما قول می‌دهم که در کنار شما و با شما در تحول سینمای کوتاه در بوشهر باشم. بنده میراث دار هنرمندان و اساتیدی چون ایرج صغیری، سید حسین صافی، خانم فریما بوشهری، جمالی، کریم فائقیان و داریوش غذبانی هستم پس باید دقیق گام بردارم و میراث دار خلفی برای انجمن باشم. بی‌شک در این راه از هنرمندان پیشکسوت بهره خواهم برد. انجمن نیاز به یک پاتوق برای دورهمی داشت که کافه پارادیزو در هفته فیلم و عکس همزمان با گالری سینما آغاز به کار می‌کند. کمی باید حوصله کرد. امروز پژوهش‌سرای انجمن به همت سرکار خانم کلبعلی شروع به فعالیت می‌کند که متعاقباً برنامه و نشست‌ها را اعلام می‌کنیم که در همین‌جا از ایشان تشکر می‌کنم. سر آخر اینکه جامعه‌ای خالی از هنرمند باشد یعنی خالی از فکر و اندیشه است امید که متولیان ارج بگذارند. از آقایان انصاری، مصدق، جواد و عابدین رمضانی، میرشکاری، منعمی و رضایی تشکر می‌کنم. در نوبت تغییرات بعدی شما باید کمک کنید.

هفته نامه نسیم جنوب
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷- ۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷ - ۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com
info@nasimjonoub.com

اجتماعی
شماره ۸۲۲ یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

مهندس مهشید کرمی کارشناس ارشد معماری در مصاحبه با نسیم جنوب (۲):

درهم ریختگی ساختار اجتماعی و فضایی و بی توجهی به تأسیسات و زیرساخت های بافت قدیم بوشهر



در شماره قبل قسمت اول مصاحبه با مهندس مهشید کرمی کارشناس معماری را درباره بافت قدیم بوشهر، مطالعه نمودید. در این شماره توجه شما را به ادامه این مصاحبه جلب می کنیم:

فرسایش کالبدی بافت در غیبت ساکنین اصلی

معضلات مربوط به امکانات و شرایط محیطی خود مقدمه ای برای تشدید سایر معضلات بافت شده است. فرسایش بافت با اینکه به دلیل نوع اقلیم منطقه ما، سرعت بیشتری نسبت به مناطق مرکزی ایران دارد، اما بنا به گفته مهندس کرمی مهاجرت ساکنین اصلی بافت هم نقش بسزایی در آن داشته است: «مورد دیگر، فرسایش کالبدی بافت است. به دلیل نوع اقلیم این منطقه که اقلیم مرطوبی است و خوردگی مصالح در آن بالاست، سرعت و میزان فرسایش کالبدی ما نسبت به دیگر بافت های تاریخی ایران خصوصا در مرکز هم بالاست. همین مساله خودش باعث شده که بافت ما در مقایسه با سایر بافت ها بسیار جوان تر باشد. بسیاری از ابنیه ما به دوره قاجار بر می گردد. ما بناهای قبل از دوران قاجار در بافت نمی بینیم. این مورد هم به زمان شکل گیری شهر و هم به مسائل کالبدی و فرسایش آن بر می گردد. البته این فرسایش کالبدی صرفا به بحث مصالح مربوط نیست. چرا که می توان یک بنا را به صورت مداوم مرمت دوره ای کرد و از زوال و فرسودگی شدید آن جلوگیری به عمل آورد. در واقع این فرسایش کالبدی مسائلی دیگر در پشت خود دارد. ما به «بنا» به مثابه یک موجود زنده نگاه می کنیم که دائما نیازمند رسیدگی و بازپیرایی است. بسیاری از صاحبان و ساکنین اصلی این خانه ها دار فانی را وداع گفته اند و یا کهولت سن دارند و بالتبع بناها در اختیار ورثه قرار گرفته است. متاسفانه عموما در چنین وضعیتی عملا دیگر نمی توان برای بنا کار زیادی انجام داد. چرا که بنا در این حالت، در مقام تمثیل مانند بیماری است که به دستگاه های حیاتی وصل است و تصمیم گیرنده ها ورثه می شوند. اگر بخواهیم از نگاه های خیلی نوستالژیک و ایده آل گرایانه فاصله بگیریم، برای اکثر ورثه ها، نگهداری بنا، با توجه به تعدد مالکین، دیگر توجیه حقوقی و اقتصادی ندارد و عمدتا نیز رویکرد به صورت کسب ارزش افزوده در این ابنیه است. این مسئله را با توجه به ارتباط نزدیکی که با خیلی از مالکین در این سال ها داشته ام عرض می کنم. این مسئله باعث می شود که در وهله اول بنا، به حال خود رها شود، نهایتا به طیف های مختلف اجتماعی اجاره داده می شود. حتی گاه یک خانه توسط تعداد زیادی خانوار اجاره می شود. پس از مدتی به دلیل عدم رسیدگی مستمر غیر قابل استفاده و متروکه می شوند و در مسیر نامیمون تخریب می افتند».

در حال حاضر مرمت ابنیه برای مالکین توجیه اقتصادی ندارد

هزینه های بالای مرمت نیز از عواملی است که به گفته مهندس کرمی، سدی جدی در برابر احیا و رونق بافت ایجاد کرده است: «فرسایش کالبدی بافت یکی از مشکل ترین و مهم ترین معضلات ما در بافت است. چرا که برای مالکین مرمت و احیاء ابنیه توجیه اقتصادی ندارد. از سوی دیگر هزینه کردن دولت در ابنیه واجد ارزش کالبدی که در لیست آثار ملی به ثبت نرسیده اند وجاهت حقوقی و قانونی ندارد. در بافت در حدود ۴۲۰ بنای واجد ارزش نگهداری وجود دارد که تنها ۷۰اثر به ثبت آثار ملی رسیده که در آنها نیز به دلیل مالکیت شخصی با در نظر گرفتن ضوابط و به صورت مشارکتی دولت می تواند از طریق سازمان میراث فرهنگی ورود کند. در سایر موارد هم ورود دولت از طریق سازمان میراث فرهنگی در صورتی که مالکیت با بخش خصوصی باشد، با منع قانونی روبروست. حرکت هایی هم که از سوی بخش خصوصی در زمینه مرمت انجام گرفته، گرچه قابل تقدیر است، به صورت موردی بوده و با هزینه بسیار بالا انجام شده است. این مساله خود مانعی برای کند بودن این روند است».

کارکردهای اصلی بافت از آن گرفته شده است

اما فراز مهم گفتار مهشید کرمی در خصوص بافت جایی است که به ریشه برخی از این معضلات می پردازد. به گفته وی عمده مشکلات بافت از زمانی شروع شد که کارکردهای ویژه بافت از آن گرفته شده و پویایی آن از بین رفته است: «در بافت تاریخی ما یکی از مسائلی که موجب شد در کنار مهاجرت ساکنین اصلی بافت و مداخلات به صورت خیابان کشی و تخریب، فرسایش و فراموشی بافت تشدید گردد، بحث تخلیه بافت از نقش های اصلی است. بافت تاریخی در حیات تاریخی و معاصر خود سه نقش عمده داشته است. کارکردهای تجاری – بازرگانی کلان، تجاری خرد در مقیاس بازار شهری و اداری–دولتی سه کارکرد و سه نقشی بوده است که این پهنه در طول حیات خود تجربه کرده است.



بخش تجاری–بازرگانی بافت در جریان توسعه گمرک کلاً از میان رفت. هفت هکتاری که از بافت جهت توسعه گمرک تخریب شد، محلی بود که عمده تجارت خانه ها و دفاتر بازرگانی و باراندازها در آن قرار داشته اند. مراکز بازرگانی یعنی یکی از قلب های تپنده بافت بدون هیچ جایگزینی از میان می رود و دفاتر بازرگانی امروزی ما هم که سمت گمرک قرار گرفته اند، از لیان به جنوب امتداد دارند و باز هم در محل تاریخی خود قرار نگرفته اند. محور عریض دهقان و لبه غربی آن، کماکان یک حاشیه بدون عملکرد و رها شده به حال خود است. این اراضی که بعضاً مالک خصوصی و یا دولتی دارند به صورت اراضی بایر درآمده است.
دومین کارکرد ویژه و نقشی که در بافت وجود داشت و به آن تحرک و پویایی می بخشید، بازار خرده فروشی بود. به صورت مقدمه باید بگویم که بازار خرده فروشی ما با شهرهای دیگر فرق می کرده، پشت بند آن سراها،کاروانسراها و باراندازها به آن معنایی که در خیلی بازارها دیده می شود، وجود نداشته است. بلکه این مراکز با فاصله از بازار اصلی در حاشیه شرقی در مجاورت دریا و یا در بخش های جنوبی بازار که امروزه خیابان نادر و نواب است شکل گرفته بودند. به مرور و با نیاز به فضا جهت رشد فیزیکی، جهت توسعه بازار به سمت جنوب متمایل می شود و متعاقب آن و با احداث خیابان آهنگران این بخش زنده و پویای بافت را از بین برده می شود. ما با از بین بردن یکی از راسته های اصلی که در مسیر خیابان آهنگران فعلی واقع بوده شریان عمده و اصلی آن را قطع می کنیم در نتیجه بازار نقش خود را در بافت کلاً از دست می دهد و می بینیم که تا مدت ها نیمه متروکه باقی می ماند و تنها اخیراً تحرکاتی در آن دیده می شود. اصرار ما برای توسعه بازارهای جنوبی باعث افت ارزش کارکردی و اقتصادی این بخش می شود. فراموش نکنیم که در الگوی شهرهای ما، بازار نقش اساسی و حیاتی در زنده نگه داشتن و پویایی و رونق و حفظ زندگی در بافت ها دارد و با از دست دادن این نقش، بافت دچار رکود و سکته در زندگی اجتماعی خود می شود.
سومین نقش هم نقش اداری و دولتی بوده است. در یک دوره، کنارهٔ ساحلی بافت را ادارات دولتی تصرف می کنند؛ سازمان هایی مثل سازمان میراث فرهنگی، سازمان ایران شناسی، شهرداری، دارایی و دستگاه های دیگر در جداره بافت مستقر می شوند. اما این وضعیت به دلائل مختلف که مهم ترین آن پیش بینی پهنه اداری در طرح جامع و کمبود فضا برای توسعه بوده، بر هم می خورد و بیشتر دستگاه های دولتی از بافت و جداره ساحلی آن منتقل می شوند و به مراکز جدید انتقال پیدا می کنند. به دنبال آن نقش اداری بافت را هم از آن گرفته می شود. وجود این کارکردها گرچه ناقص اما موجب تضمین بقای برخی ابنیه با ارزش می شود. البته کاری که باید در همان سال ها انجام می شد این بود که دستگاه ها را ملزم می کردند بخشی از فعالیت خود را در همان بناها حفظ کنند. به این ترتیب شاید جداره ساحلی بافت که عموما دست دولتی ها و ادارات بود، امروز حال و روز بهتری می داشت.
به این ترتیب ملاحظه می کنید که در گذر زمان و به تدریج تمام نقش هایی که به جز مسکونی حیات را در بافت نگه داشته بود از آن گرفته می شود. وقتی در یک بافت، هم ساختار اجتماعی دستخوش تغییر می شود، هم ساختار فضایی آن به هم ریخته می شود، هم تأسیسات و زیرساخت های لازم در آن ایجاد نمی شود و هم همه کارکردها و نقش های آن، از آن گرفته می شود، طبیعی است مأمن معضلات و مسائل بسیاری می شود و متأسفانه این اتفاقی است که در بافت ما رخ داده است».
این بخش از مصاحبه عموما به مشکلات ساختاری و کالبدی بافت اشاره داشت که مهندس کرمی آنها را مشروح بیان کرد. مشخص است که کوتاهی ما در مواجه با میراثی که از گذشته برجا مانده نقش عمده ای در شکل گیری وضعیت کنونی بافت داشته است. ویژه آنکه در بخش بعدی مصاحبه، به صورت مبسوط مشکلات مدیریتی در بافت پرداخته می شود.

چند روز پس از حریق پتروشیمی مبین؛

تنفس در عسلویه همچنان سخت است

حجم بالای دود سیاه در آسمان

نساء کروندی: روز چهارشنبه هفته گذشته آتش‌سوزی در ایستگاه تقلیل فشار پتروشیمی مبین رخ داد که با حضور نیروهای آتش‌نشانی در چند ساعت مهار شد ولی اثرات این آتش‌سوزی همچنان ادامه دارد.
این آتش‌سوزی باعث شد تا عملکرد دیگر تاسیسات و صنایع این منطقه با مشکل روبرو شود و از زمان بروز این حادثه شاهد افزایش حجم دود سیاه از فلرهای این منطقه هستیم.
مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر در گفتگو با خبرنگار مهر در خصوص وضعیت آلودگی هوای شهرستان عسلویه اظهار داشت: آتش‌سوزی پتروشیمی مبین در عسلویه یک حادثه بود و حادثه همیشه با خود مشکلاتی را به وجود می آورد.
حسین دلشب با بیان اینکه کمیته مخاطرات زیست محیطی تشکیل شده است افزود: خوشبختانه در بحث آب و پساب باتوجه به ذخیره موجود مشکلی وجود ندارد.
مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر بیان کرد: اما فلرها نیاز به راه اندازی مجدد دارد چرا که احتمال بد سوزی آنها وجود دارد.
دلشب گفت: همکاران ما در منطقه تلاش می کنند که هرچه سریعتر پتروشیمی مبین و واحد هایی که از سیستم خارج شده اند مجدد در سرویس قرار گیرند. وی با اشاره به اینکه اکنون احتمال بدسوزی برای چندین ساعت وجود دارد خاطرنشان کرد: باید با استفاده از تکنیک‌های فنی برای راه اندازی مجدد اقدام کرد تا کمترین خروجی آلودگی به هوای منطقه را داشته باشیم.

انتقاد از وزارت نفت

مدیرکل محیط زیست استان بوشهر بیان کرد: در حال حاضر رئیس واحد و کارشناسان پایش اداره کل محیط زیست استان در منطقه حضور دارند و هرگونه آلودگی را رصد می کنند.
دلشب با انتقاد از وزارت نفت افزود: با توجه به وجود حجم عظیم فعالیت های صنعتی در این منطقه اما تجهیزات و امکانات سریع برای مقابله با حوادث وجود ندارد.
وی عنوان کرد: باید وضعیت به گونه ای باشد که بتوانیم برای کنترل حادثه و آلودگی ها در حین حادثه مانع ایجاد هرگونه مخاطره شویم.

سخنی چند با مسئولین

فاجعه ای خاموش و فراموش شده در عسلویه

عبدالحمید خدری – نماینده مردم شریف بوشهر، گناوه و دیلم



معمولا در تمامی دنیا و به هنگام اجرای هر گونه پروژه صنعتی (به ویژه در حوزه نفت و گاز و پتروشیمی)، شرکت و کشورهای پیش رو با تمامی جزییات، آسیبهای احتمالی فعلی و حتی آتی آن منطقه را لحاظ می کنند و تمامی تلاش را خواهند داشت که کمترین زیان را حداقل به کشور خودشان بزنند.
بحث کشورهای استعمارگر و اینکه شاید به عواقب احتمالی ضرر و زیان های انسانی و زیست محیطی توجهی نکنند، از مقوله ابتدایی این قضیه که فوقا اشاره کردم، جداست و مسلما برای قدرت استعماری همچون بریتانیا، آمریکا، فرانسه، چین و ...اصلا مهم نیست که در کشور میزبان (فرضا کشور آفریقایی یا آسیایی) چه پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد آورد و نهایتا سالی یکبار آن هم برای فروکش نمودن افکار جهانی، در یک همایش و یک نشست جهانی و با نمایشی حاکی از قدرت استعماری خود، بیانیه ای مثلا درباره تغییرات اقلیمی، گازهای گلخانه ای، گرم شدن زمین و ... بسنده می کنند و همچنان در راستای تامین اهداف شوم خود، گام بر می دارند.
با عنایت به موارد بالا، در خصوص منطقه صنعتی، اقتصادی و هر آنچه که زیبنده عسلویه است، نگاهی از بدبینی و خوش بینی نمی اندازیم و فقط واقع بینانه و منصفانه قضاوت می کنیم:
از زمان راه اندازی و حتی پیش راه اندازی منطقه (در همه ابعاد نفت و گاز و پتروشیمی و ...)، مشخصا کارشناسان امر به آلاینده ها و عوامل ممکن و قطعی آن، آن هم در این حجم وسیع، آگاه و اشراف داشته و دارند و چیزی نیست که از نظر پنهان بماند.
بخشی از دستگاه های تصفیه به دلیل تحریم ها و بخشی هم به دلیل کیفیت پایین این دستگاهها، عملا کارایی چندانی نداشته و به گفته کارشناسان، محیط زیست و اکولوژی کل منطقه و حتی تا کیلومترها آن طرف تر هم به شدت متاثر از خود ساخته و آلودگی شدید آب، خاک، هوا، ساحل، دریا، مشکلات تنفسی و پوستی و ... همه را به شکلی کاملا نگران کننده به دنبال آورده است.
گفته می شود که آلودگی هوای عسلویه در شرایط فعلی، ۱۰۰ برابر هوای تهران است و خود تهران را اگر معیار قرار بدهیم، شهری است که فاجعه خاموش انسانی در زمینه آلودگی را یدک می کشد و ... حال با قیاس ساده، عسلویه را ۱۰۰ برابر تهران در نظر بگیریم، فاجعه ای خاموش که نه بلکه فراموش شده باید بنامیم.
وجود مشعل های گازی، استحصال مواد نفتی و گازی از سکوهای دریایی، تخلیه پساب و پسماندهای شیمیایی، پراکندگی ذرات معلق گوگرد در هوا و سکون و عدم جابجایی هوای موجود به دلیل وجود کوه های مشرف به دریا و منطقه صنعتی عسلویه، ساکنین و شاغلین را توامان به کام بیماریها و مشکلاتی سوق داده و می دهد که رنج و هزینه های بیشماری را به دنبال داشته است.
گرمای شدید و شرجی منطقه و تبخیر زیاد آب دریا، خود مصیبتی به مصایب این منطقه اضافه نموده که ساده ترین آن، ایجاد رطوبت اسیدی در کل منطقه است که در فصل زمستان و قطعا بارش باران، این پدیده را تشدید و امر وارونگی هوا و معضلات خاص و بغرنج تری را ارمغان شوم خود داشته است و بعضا شنیده می شود که خون کارکنان و شاغلین در این گونه مناطق، نوعی آلودگی و عفونت بالقوه را با خود دارد و مراجعات متعدد و مکرر به درمانگاههای صنعتی طرف قرارداد خود وزارت نفت، گواه این مدعاست.
براستی چه باید کرد؟ سکوت و سکون و یا تدبیر و تعقل؟ از یک سو سرمایه نفت و گاز ما در حوزه مشترک با همسایه جنوبی (قطر) در خطر هست که اگر ما غافل بمانیم (کما که تا به حال هم خیلی عقب هستیم در تولید و استخراج)، همه را به تاراج میبرد با شرکای غربی خود و از طرفی سرمایه های وطنی ما مانده با عاطفه های ایرانی و ایرانیت ما که خاک و دریا و هوا و زمین و مهمتر از همه اینها، فرزندان خود را به دست خود، سهراب گونه به فنا و نابودی می بریم و مانده ایم تا وقتش برسد و مرثیه سرایی کنیم.
نوشدارو تا پیش از مرگ سهراب را یکبار با هم زمزمه کنیم و تدبیری بیاندیشیم و به معنای واقعی به یک چیز برسیم:"مسئولیت اجتماعی".



واکنش مدیرکل منابع طبیعی استان بوشهر در مورد آلایندگی اخیر عسلویه:

آلایندگی عسلویه مراتع و گونه‌های گیاهی آن منطقه را در معرض آسیب قرار خواهد داد

آلایندگی پارس جنوبی باعث خشک شدن قسمتی از جنگل‌های حراء در نایبند عسلویه شده است



مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر گفت: آلایندگی آسمان عسلویه و شعله‌های سرکش و دودهای غلیظ، علاوه بر مردم منطقه، در درازمدت و حتی کوتاه مدت مراتع و گونه‌های گیاهی آن منطقه کوهستانی را نیز در معرض آسیب قرار خواهد داد.
سهیل مهاجری در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در بوشهر در واکنشی جدی به آلایندگی کم سابقه در عسلویه و تخریب منابع طبیعی و مراتع جنوب استان بوشهر گفت: چرا منابع انسانی خبره و مدیریت نفتی‌ها در این حادثه مخرب زیست محیطی نمی‌تواند فورا از آلودگی فلرها بکاهد.
مهاجری تصریح کرد: آلایندگی پیش آمده در آسمان عسلویه و شعله‌های سرکش و دودهای غلیظ و متراکم، علاوه بر مردم منطقه، در درازمدت و حتی کوتاه مدت مراتع و گونه‌های گیاهی آن منطقه کوهستانی را نیز در معرض آسیب قرار خواهد داد.
وی افزود: در این شرایط سنگین آسمان عسلویه و آلایندگی شدید آن منطقه اگر شاهد شرجی بالای هوا و یا باران‌های اسیدی با ترکیب رطوبت هوا باشیم بدون شک اثر آن بر مراتع و گیاهان منطقه جبران ناپذیر است و سبب خسارت‌های میلیاردی به منابع طبیعی منطقه می‌شود.
مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر اظهار داشت: متاسفانه آلودگی هوا بر حیات گیاهی و مراتع تاثیر مستقیمی دارد و موجب تغییر جامعه گیاهی و مرگ تدریجی گونه‌های با ارزش می‌شود و این مهم متاسفانه در بسیاری از مناطق مورد توجه وزارت نفت قرار نگرفته است.
وی یادآور شد: آلایندگی خاصی که در منطقه پارس جنوبی است فعالیت‌های فیزیولوژی گیاه را نیز به هم می‌زند و موجب کاهش رشد، تاخیر در بلوغ و ضعیف شدن گیاه می‌شود و دیگر زمان زیادی لازم است تا یک گیاه به حالت اولیه برگردد.
مهاجری گفت: اکوسیستم جنوب شکننده است و بیشترگیاهان مراتع آن در برابر عوامل خارجی مانند آلایندگی دارای حساسیت بالایی هستند و آلودگی سبب می‌شود تنوع زیستی به شدت کاهش یابد.
مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بوشهر در بخش دیگری از اظهارات خود به جنگل‌های حراء در نایبند عسلویه هم اشاره و خاطرنشان کرد: مدتی است که بخشی از درختان آن منطقه خشک شده است و به نظر می‌رسد با توجه به مشاهده نوعی ماده سیاه رنگ بر روی برگ‌های آن، آلایندگی منطقه در این امر بی تاثیر نبوده باشد.
وی ادامه داد: در تمام دنیا برای توسعه جنگل‌ها و مراتع جهت مبارزه با آلودگی هوا هزینه می‌شود اما در عسلویه در اتفاقی شگفت انگیز، به‌نظر می‌رسد با آلودگی هوا به جان مراتع و محیط زیست افتاده‌ایم.
مهاجری در بخش دیگری از اظهارات خود با اشاره به وجود حجم عظیم فعالیت‌های صنعتی در عسلویه خواستار تقویت ابعاد زیست محیطی آن منطقه شد و خاطرنشان کرد: چرا نباید تجهیزات و امکانات در پایتخت انرژی ایران برای مقابله با حوادث ویران کننده منابع طبیعی به اندازه کافی وجود داشته باشد.
وی گفت: وزارت نفت باید در جبران خسارت‌های میلیاردی و تاثیرات منفی که به اجرای پروژه‌هایی مانند درختکاری وسیع مبادرت ورزد و یک برنامه ملی با مشارکت بخش کشاورزی و منابع طبیعی برای منطقه اجرا کند.
مهاجری افزود: توسعه پایدار در عسلویه و تاسیسات عظیم انرژی آنجا بدون توجه به منابع طبیعی و مراتع و درختان آنجا هرگز معنا ندارد و ما در منابع طبیعی و آبخیزداری استان نمی‌توانیم عرصه‌ها، مراتع و گونه‌ای با ارزش گیاهی خود را در آن منطقه و یا هر منطقه دیگری از استان رها کنیم.

رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر:

بدنبال توسعه فرهنگ مهارت آموزی و کارآفرینی در استان بوشهر هستیم

رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر گفت: بدنبا توسعه فرهنگ مهارت آموزی و کارآفرینی در استان بوشهر هستیم.
حسین اسکندری در نشست خبری خود گفت: دانشگاه جامع علمی کاربردی یکی از دانشگاههای مهارت آموز و کارآفرین است و به عنوان یک دانشگاه نسل سوم به حساب می آید و این نقش بسزایی دارد با توجه به اینکه امروزه آموزشهای مهارتی در پایداری توسعه انسانی در جوامع مختلف اهم از کشورهای پیشرفته، غیرپیشرفته و توسعه یافته و یا در حال توسعه نقش اساسی دارد و خصوصا این که آموزشهای مهارتی بتوانند همراه با تغییرات علم و فن آوری باشند.
وی در ادامه خاطرنشان کرد: امروز فن آوری بشدت در حال تغییر و تحول هست و چهره های جدیدی از فن آوری با آن مواجه هستیم که چهره ی زند گی بشر را مرتب تحت تأثیر قرار می دهد و این تحولات فن آوری با اقتصاد یک جامعه، علم و اجتماع، و مسائل اجتماعی و فرهنگی و هنری و مدیریتی جامعه ارتباط تنگاتنگی دارد بنابراین دانشگاه جامع علمی کاربردی با توجه به این که ماموریت گراست و فعالیت ها و آموزش های آن در جهت ایجاد اشتغال، کار و مهارت است خیلی اهمیت پیدا می کند.
وی افزود: در استان بوشهر یکی از واحدهای بسیار موفق علمی و کاربردی از سال ۸۲ شروع به فعالیت کرده و در حال حاضر ۲۰ مرکز علمی کاربردی داریم که با بیش از ۱۴ هزار در چهار حوزه صنعت- کشاورزی- مدیریت و خدمات اجتماعی- فرهنگ و هنر در حال فعالیت است.
اسکندری گفت: امسال در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بیش از ۳۰۰ کد رشته محل دانشجو می پذیریم که بیش از ۲۰۰ کدرشته مربوط به دوره های کاردانی است و بیش از ۱۰۰ کدرشته محل مربوط به دوره های کارشناسی است که دانشجویان پذیرفته می شوند.
وی خاطرنشان کرد: با توجه به کاهش روزافزون تقاضا برای تکمیل ظرفیت دانشگاهها نقش آموزش های مهارتی و کارآفرینی در استان بوشهر با توجه به شرایط کسب و کار اهمیت پیدا می کند.
اسکندری در خصوص اهداف دانشگاه جامع علمی کاربردی بیان کرد: اهداف دانشگاه جامع علمی و کاربردی ارتقا و تقویت کیفی سرفصل و محتوای دروس فعلی و تعریف رشته های جدید کاربردی و مورد نیاز استان و همچنین ارتقا کیفیت آموزشی مدرسان و تقویت و ارتقا زیرساخت های دانشگاه است.
وی در ادامه گفت: طرحی به نام باشگاه مهارتهای نوین را دنبال می کنیم که در حال پیگیری هستیم و مقدمات آن فراهم و طرح مکتوب آن تهیه شده است و ان شاالله اگر به منصه ظهور برسانیم و راه اندازی بشود یکی از اهداف مهم ما که همگامی با تحولات فن آوری در دنیا است به وقوع می پیوندد و ما می خواهیم مهارت ها را با فن آوری های نوین در چهار حوزه فن آوری های نانو، زیست فن آوری، فن آورهای اطلاعات و فن آوری های علوم شناختی تطبیق دهیم. که به طور جدی این طرح را دنبال می کنیم و چشم انداز خوبی را برای آن ترسیم کرده ایم.



رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان بوشهر افزود: یک طرح دیگر بحث کارآفرینی است که از مرحله گفتار بیرون آمدن و اقدام عملی در جهت طرح های کارآفرینی داشته باشیم و برنامه های کارآفرینی داریم که در فاز اول هدف برای فارغ التحصیلان دانشگاه علمی کاربردی و خود دانشجویان که در طرحهای کارآفرینی مشارکت داده شوند که هم مشغول باشند و ثروت آفرینی داشته باشند که در راستای اقتصاد مقاومتی براساس اقتصاد دانش بنیان جلو برویم و طرحها را با توجه به نیازها و مشکلات استان است را در اولویت قرار داده ایم و طرحی را دنبال می کنیم که کشاورزی مدرن است و روش های که نیاز به آب کمتری دارد با توجه به کمبود آب و خشکسالی که است استارت آن زده شده و سرمایه گذار و محل آن مشخص شده و هم کارهای نهایی آن انجام شده و رایزنی هایی با نمایندگان محترم مجلس، مدیران استانی و ملی انجام شده تا آخر امسال بتوانیم یکی دو طرح را شروع کنیم.
اسکندری یادآور شد: یک نکته بسیار مهمی که در استان نیاز هست به آن توجه شود و یکی از رسالت های خود در بخش فرهنگی می دانیم بحث توسعه فرهنگ مهارت آموزی و کارآفرینی است ما احساس می کنیم که فرهنگ کارآفرینی و مهارت آموزی را در اقشار مختلف استان تقویت کنیم از کودکان تا نوجوانان تا دانش آموزان و دانشجویان خودشان بتوانند مولد باشند و کمتر انتظار از سیستم دولتی داشته باشند و بایستی بخش خصوصی دانش بنیان را تقویت کنیم و این شرکتها به وجود نمی آید جز با حضور دانشجویان و مدرسان ما.
وی در ادامه گفت: برنامه های تلویریونی را تدارک دیده ایم که فرهنگ مهارت کارآفرینی را با برنامه های جذاب تلویزیونی که مخاطبین بسیاری دارد توسعه دهیم و برنامه های زیادی داریم و استقبال می کنیم که بخش خصوصی و صنایع ما که توانایی ایجاد مراکز علمی کاربردی دارند که به شکل البته ماموریت گرا که رشته های کاربردی مورد نیاز مثل دریانوردی و بنادر ظرفیت ها و پتانسیل های بسیار زیادی داریم حمایت می کنیم.
وی بیان کرد: دیداری با مدیر سازمان میراث فرهنگی داشتیم که رایزنی های خوبی انجام دادیم تا تقویت آموزش مهارتی و مدرن و استاندارد گردشگری و یا حتا مرکز علمی کاربردی ایجاد کنیم بنابراین ما در تمام حوزه هایی که نیاز استان هست فکر می کنیم و کارگروههایی تشکیل داده ایم که بتوانند به شکل کاربردی دوره ها و رشته های جدید ایجاد کنیم و خوشبختانه در سال جدید به طور میانگین یک رشته جدید را ایجاد کرده ایم. پس یک شور و شوق خوبی در مراکز ما به وجود آمده است و ان شاالله بتوانیم با همکاری دانشجویان در سال تحصیلی جدید و مدرسان و مدیران مراکز و مسئولین ارشد استانی و دانشگاه جامع علمی کاربردی در مرکز و همه نمایندگان محترم در مجلس بتوانیم دانشگاه جامع علمی و کاربردی استان بوشهر را به آن جایگاهی که باید و شایسته آن است برسانیم.
حسین اسکندری در پاسخ به سوال خبرنگار در خصوص شایعه معتبر نبودن مدرک دانشگاه علمی کاربردی اظهار داشت: مرکز علمی کاربردی عسلویه چهار هزار دانشجو دارد که مستقیما برای شرکتهای نفت نیرو تربیت می کند و مدارک آنها پذیرفته است البته یک نکته ای است که با توجه به فضای رقابت پذیری فارغ التحصیلان دانشگاهی که تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی زیاد شده است طبیعتا بنگاهها و شرکتها رقابت پذیر هستند ممکن است رقابت هایی بین دانشگاهها باشد و با توجه به سوابق تحصیلی فارغ التحصیل اولویتی قائل شوند ولی به این معنا نیست مدرک تحصیلی علمی کاربردی را قبول ندارند و من تکذیب می کنم.
وی در ارتباط با رشته های کارشناسی ارشد و مدرسین دانشگاه علمی کاربردی بیان کرد: چهار تا رشته های کارشناسی ارشد در علمی کاربردی عسلویه مشغول فعالیت هستند که مدرسان ما کارشناسی ارشد به بالا هستند. مدرسان بیش از ۱۵۰۰کد مدرسین هستند که حدود هزار تا از این کد مدرسین فعال هستند.
رییس دانشگاه علمی کاربردی از برنامه ی جدیدی تحت عنوان نخبگی نام برد و خاطرنشان کرد: جدیدا برنامه یی تحت عنوان نخبگی وجود دارد که این نخبه ها می توانند لزوما مدرک دانشگاهی نداشته باشند اگر نخبگانی باشند که به شکل تجربی در سنوات گذشته در یک مهارت خاص به درجه نخبگی رسیده باشند که جامعه از مهارت آنها بتواند استفاده کند ما می توانیم تحت عنوان نخبگی یا نخبگان آن ها را جذب کنیم و مهارت آنها در قالب یک دوره های آموزشی به نسل جوان و جوانان دانشگاه جامع علمی کاربردی انتقال دهیم.
وی در پایان گفت: دانشگاه جامع علمی کاربردی یک دانشگاه، درآمد هزینه یی است و بیشتر هزینه های آن عمدتا از شهریه های دانشجویی است و ۸۵ درصد از شهریه های دانشجویی به حساب مراکز می رود و کنترل و نظارتی بر روی آنها نداریم که تقاضا و خواسته ی ما این است که بتوانیم به نوعی از روی هزینه کرد ۸۵ درصد شهریه ها در حوزه های آموزشی و پژوهشی فرهنگی و ورزشی کنترل و نظارت داشته باشیم و ۱۵ درصد باقی مانده به خرانه های دانشگاه وارد می شود و اگر مسئولین محترم استان و کشور انتظار دارند که دانشگاه جامع علمی کاربردی در جایگاه واقعی خودش که مهارت آموزی، کارآفرینی و ایجاد اشتغال است قدم بردارد بایستی از هر طریق ممکن نسبت به تقویت زیرساخت های دانشگاه کمک بکنند.

با طراحی و ساخت ربات کروی؛

دانشجوی بوشهری برگزیده جشنواره اختراعات خلیج فارس شد



دانشجوی بوشهری با طراحی و ساخت ربات کروی که قابل استفاده در مناطق خطرناک می باشد برگزیده جشنواره منطقه ای اختراعات رویش خلیج فارس در یاسوج شد.
به گزارش از روابط عمومی بنیاد نخبگان استان بوشهر، این ربات توسط فرشاد خادمیان زاده و سمیرا اسیری دانشجویان کارشناسی ارشد مهندسی مکاترونیک دانشگاه اصفهان طراحی شده است.
سمیرا اسیری با اشاره به کاربردهای ربات کروی گفت: از کاربردهای این ربات می توان به استفاده از آن در مناطق خطرناک مانند مکان هایی که نشت گاز دارد یا میزان خوردگی در آن بالاست اشاره کرد زیرا این ربات به لحاظ دارا بودن پوسته محافظ کروی، کمترین تاثیر را از محیط می گیرد.
وی افزود: ربات کروی برای صنایع پتروشیمی، نفت و گاز یا مناطق اسیدی نیز کاربرد دارد بطوریکه با اسکن دقیق از کل محیط می تواند میزان آلاینده ها را در هر موقعیت مکانی تخمین بزند و به راحتی منبع نشت گاز را تشخیص دهد.
این مخترع بوشهری خاطرنشان ساخت: یکی دیگر از کاربردهای این ربات در صنعت کشاورزی است به این صورت که با فیلمبرداری و پردازش تصاویر آن می تواند محصولات ناسالم را از سالم تمایز دهد و موقعیت آن را به کشاورز اعلام کند.
به گزارش خبرگزاری مهر، سمیرا اسیری و فرشاد خادمیان زاده دانشجویان رتبه اول و دوم رشته مهندسی مکاترونیک دانشگاه اصفهان در مقطع کارشناسی ارشد با ارائه ربات کروی در مسابقات جهانی پرتغال Robotica Portugal ۲۰۱۶ بعد از شرکت مرسدس بنز آلمان مقاوم دوم را کسب کردند.
همچنین این تیم دو نفره توانسته به ترتیب حائز مقام نخست و مقام چهارم در لیگ ربات های نمایشی در مسابقات بین المللی Robocup Iran open در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ شود.
جشنواره منطقه ای اختراعات خلیج فارس با حضور مخترعین استان های فارس، بوشهر، هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمان، یزد و تهران و به میزبانی بنیاد نخبگان استان کهگیلویه و بویراحمد در یاسوج برگزار شد.

معرفی ۲۳۸ بنگاه اقتصادی بوشهر برای گرفتن تسهیلات بانکی

۲۳۸ بنگاه اقتصادی برای دریافت تسهیلات به بانک های استان بوشهر معرفی شده اند.
رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت استان بوشهر گفت: از ابتدای امسال تا کنون، ۵۰۸ بنگاه اقتصادی درخواست خود را برای دریافت تسهیلات در سامانه بهین یاب ثبت نام کرده‌اند که از این تعداد ۳۰۴ مورد آن تایید و ثبت نهایی شده است.
سید حسین حسینی محمدی افزود: از این تعداد، ۲۳۸ بنگاه برای دریافت تسهیلات رونق تولید به بانک‌ها معرفی شده‌اندکه تاکنون ۴۰ بنگاه با بانک ها قرارداد بسته‌اند و ۲۹ بنگاه نیز تسهیلاتشان را گرفته‌اند.
وی ادامه داد: افزون بر این، از اول اردیبهشت تاکنون بانک‌ها، ۳۹ فقره تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط به صورت مستقیم پرداخت کرده‌اند.

اوضاع بحرانی آلودگی هوا در عسلویه



آن گونه که طرح های توسعه عسلویه در درازمدت نشان می‌دهد، قرار است در این منطقه چند ده پالایشگاه و بیش از ده پتروشیمی تاسیس شده و به کمک آنها، منابع ارزشمند زیرسطحی پالایش و فرآوری شده و در غالب محصولات مختلف به بازارهای داخلی و خارجی روانه شده و در خدمت کشورمان قرار گیرد اما هنوز این مسیر به انتها نرسیده، اخبار ناخوشایندی از آن خطه مخابره می‌شود.
البته آلودگی هوا چیزی نیست که به تازگی گریبان گیر این منطقه صنعتی از کشورمان شده باشد بلکه از روز نخست همراه عسلویه، نخل تقی، بیدخون و دیگر شهرهای ریز و درشت منطقه بوده و از عمر کارکنان و شاغلان در این خطه کاسته است، اما اکنون اوضاع به قدری وخیم شده که روزهای عسلویه به شب گراییده و نفس مردم منطقه و شاغلان در آنجا به شماره افتاده است.
آن گونه که گزارش های رسیده نشان می‌هد، وضعیت آلودگی هوا در عسلویه از مرز بحران نیز عبور کرده و در خطرناک ترین وضع ممکن قرار گرفته است. وضعیتی که وقوع آتش سوزی در یکی از پتروشیمی های منطقه در رقم خوردن آن تاثیر فراوانی داشته و موجب بروز فاجعه بارترین آلودگی هوای ثبت شده در کشورمان شده است.
این در حالی است که بروز چنین وضعیتی نیز به اتخاذ تدابیر ویژه منجر نشده و اقدام پیشگیرانه ای در راستای حفاظت از جان مردم منطقه و شمار بالای شاغلان ساکن آن خطه به دنبال نداشته است. گویی کسی نگران جان این دسته از هموطنانمان نیست؛ حتی مسئولان ایمنی شاغل در پالایشگاه ها و پتروشیمی های منطقه که نسبت به وقوع خطرهای بسیار جزئی تر، حساسیت بسیار بالایی از خود نشان می‌دهند.
تلخ تر اینجاست که می‌بینیم فرایندهای جاری در صنایع این منطقه، تخصصی است و به تناسب آن، بسیاری از شاغلان در این خطه، آگاهی کاملی به آلودگی های موجود در هوایی که تنفس می کنند دارند و احتمالا به خوبی از تبعات استنشاق این آلودگی ها نیز آگاهند اما چه می‌شود کرد که قدرت تصمیم گیری در این خصوص ندارند و چشم انتظار رسیدن دستورات از سطوح بالاتر و مناطق بسیار دورتر هستند.
امثال مدیران شرکت ملی گاز یا دیگر بخش های زیر مجموعه وزارت نفت که به نظر نمی‌رسد تصاویر منتشر شده از آلودگی مستقر شده در عسلویه را دیده باشند که اگر دیده بودند، بعید بود به سکوت خود ادامه می‌دادند و نسبت به جان هموطنانمان این گونه بی محلی می‌کردند. بماند که از دید شاغلان در منطقه، سکوت امثال سازمان محیط زیست و وزارت بهداشت در قبال چنین وضعیتی نیز قابل قبول نیست و محل ابهام است.
اتفاقی که در صنعتی ترین خطه از خاک کشورمان رخ می‌دهد تا ثابت کند که چقدر در بخش صنعت از ضرورت های همراه با این بخش، مثل سلامت و ایمنی و حفاظت از محیط زیست به دوریم و رشد موضعی داشته ایم. پیشرفتی که به دوره رنسانس اروپایی شباهت دارد نه صنایع پاک یا با آلایندگی کم و کنترل شده در قرن بیست و یکم.
وضعیتی که اگر در یکی از شهرهای مهم و پرجمعیت کشورمان به وقوع پیوسته بود، بی شک به اتخاذ تدابیر فوری و فراوان زیادی، از جمله تعطیلی موقت فعالیت صنایع آلاینده و اتخاذ تدابیر دیگر منجر می‌شد اما چون در عسلویه و برای مردمانی که به آلودگی خو گرفته اند، رخ داده، به هیچ تصمیمی منجر نشده است؛ گویی جان انسان ها زمانی برایمان مهم است که درباره چند میلیون انسان سخن می‌گوییم وگرنه جان چند ده هزار نفر که ارزش اقدام ویژه ای ندارد!
منبع: تابناک

نماینده مردم جنوب استان بوشهر خطاب به وزیر نفت:

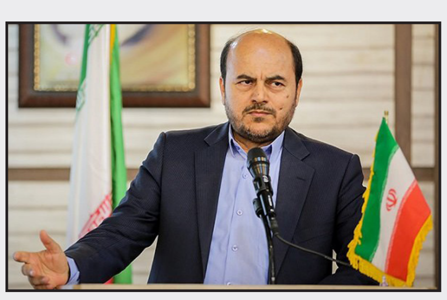
بحران زیست محیطی عسلویه نقطه تاریک عملکرد وزارت نفت است



نماینده مردم جنوب استان بوشهر در مجلس در نامه‌ای به وزیر نفت، با اشاره به آلایندگی شدید حاصل از خروج دود سیاه از مشعل‌ها در عسلویه و ایجاد بحران زیست محیطی، این اتفاق را نقطه تاریک در عملکرد مجموعه وزارت نفت در عسلویه دانست.
سکینه الماسی در این نامه که نسخه‌ای از آن در اختیار خبرنگار خبرگزاری فارس قرار گرفته آورده است: اتفاق پیش آمده علاوه بر آسیب رسیدن جدی به سرمایه‌های ملی موجی از نگرانی و التهاب نیز در میان مردم بومی منطقه، کارکنان و کارگران شریف ایجاد کرده است.
وی در نامه خود منابع انسانی و منابع طبیعی را مکمل توسعه تاسیسات صنعتی در پارس جنوبی دانست و خطاب به وزیر نفت گفت: چگونه است در پایتخت انرژی ایران مهار یک آلایندگی که در ابتدای امر مسئله‌ای پیچیده نبود همه ناتوان هستیم به گونه‌ای که چهار روز است التهاب و نگرانی مردم منطقه را رها نمی کند.
عضو کمیسیون انرژی مجلس در این نامه نگرانی شدید خود را از وضعیت پیش آمده ابراز داشته است و خواستار بررسی دقیق حادثه و ارایه گزارش آن به کمیسیون انرژی مجلس و مردم منطقه توسط وزیر نفت شده است.
الماسی تاکید کرده است آسیب به محیط زیست، آسیب به زندگی همه ساکنان و مجاورین تاسیسات صنعتی در عسلویه است و در نهایت همه متضرر خواهند شد.

معاون استاندار بوشهر:

اجرای طرح‌های اقتصاد مقاومتی استان بوشهر شتاب می گیرد



معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی استاندار بوشهر گفت: اجرای طرح‌های اقتصاد مقاومتی استان بوشهر شتاب می گیرد.
به گزارش روابط عمومی استانداری بوشهر، سعید زرین‌فر در نشست تکریم و معارفه مدیر شعب بانک صادرات استان بوشهر با اشاره به اینکه بانک‌ها نقش مهم و تاثیرگذاری در اقتصاد کشور دارند اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین پایه‌های اقتصادی در تامین سرمایه بنگاه‌های اقتصادی، بانک‌ها هستند که این نقش در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دو چندان می کند.
وی با بیان اینکه بانک‌ها باید نقش خود را در اجرای برنامه‌های تدوین شده طرح‌های اقتصاد مقاومتی بیشتر کنند تصریح کرد: با توجه به اینکه امسال به نام اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نام‌گذاری شده بانک‌ها باید برای اجرای طرح‌های تدوین شده بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی را همیاری کنند تا اثرات این برنامه‌ها امسال در جامعه آشکار شود.
زرین‌فر با اشاره به اینکه طرح‌های اقتصاد مقاومتی با نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی در استان بوشهر تدوین و اجرایی شده گفت: بر این اساس با توجه به توانمندی داخلی و تقویت این ظرفیت این برنامه‌ها اجرایی شده است.
وی با تاکید بر این نکته که بانک‌ها باید با حرکت جهادی و انقلابی نقش خود را در این عرصه بیشتر نشان دهند افزود: آنچه کارشناسان اقتصادی مطرح می‌کنند با روندی که در پیش است روز به‌روز زمینه رونق اقتصادی بهبود می‌یابد و اقتصادی شکوفا برای آینده نزدیک ارزیابی می کنند.
معاون استاندار بوشهر تاکید کرد: با توجه به ظرفیت بالای استان بوشهر باید این حرکت در استان بوشهر بیشتر سرعت داده تا سهم این استان در پیشرفت اقتصادی بیشتر نمایان شود.
زرین‌فر با آرزوی موفقیت برای محسن شهابی به عنوان مدیر جدید شعب بانک صادرات استان بوشهر از خدمات ارزشمند حسین نامور که به افتخار بازنشستگی نائل آمده قدردانی کرد.

نسیم جنوب ۷
آموزش و پرورش
شماره ۸۲۲ یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۳۹۵
NASIM JANOUB

مدیرکل کمیته امداد استان بوشهر:

خیران ۵ میلیارد ریال به دانش‌آموزان نیازمند بوشهری پرداخت کردند

مدیرکل کمیته امداد استان بوشهر گفت: در اجرای جشن عاطفه‌ها در آستانه سال تحصیلی جدید خیران استان بوشهر تاکنون ۵ میلیارد ریال به دانش‌آموزان نیازمند پرداخت کردند.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، احمد لطفی در جمع خبرنگاران با تبریک سال تحصیلی جدید نقش مهم کمیته امداد در رسیدگی به دانش‌آموزان نیازمند مهم دانست و اظهار داشت: جشن عاطفه‌ها امسال همانند سال‌های گذشته با هدف کمک به دانش آموزان نیازمند، با همکاری آموزش و پرورش و کمک خیران و نیکوکاران در دو مرحله آغاز می‌شود.

وی با اشاره به اینکه مرحله نخست این طرح قبل از آغاز سال تحصیلی از یکم تا پایان شهریور اجرا شده تصریح کرد: مرحله نخست جشن عاطفه‌ها با شرکت و همکاری خیران نیکوکار در حال اجرا است و مرحله دوم این طرح نیز پس از بازگشایی مدارس از یکم تا دهم مهرماه، با استفاده از ظرفیت دانش آموزان عزیز و استقرار پایگاه‌های جشن در مدارس برگزار می‌شود.

لطفی با بیان اینکه امسال رویکرد کاری کمیته امداد در برگزاری جشن عاطفه‌ها نسبت به سال گذشته تغییر پیدا کرده است، اظهار داشت: امسال برخلاف سال‌های گذشته در مرحله نخست جشن عاطفه‌ها پایگاه‌های ثابت در سطح شهرها استقرار نکردیم اما با استفاده از ظرفیت ۲۸ مرکز در سراسر استان اقدام به جمع آوری کمک‌های مردمی برای کمک به دانش آموزان نیازمند کردیم.

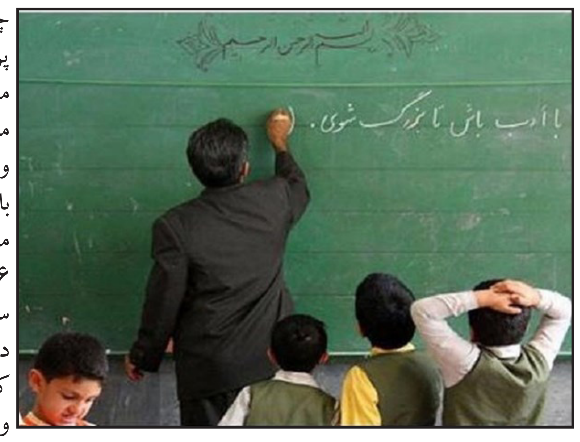
مدیرکل کمیته امداد استان بوشهر با بیان اینکه در مرحله نخست جشن عاطفه‌ها که تا پایان شهریور ادامه دارد، افزود: در اجرای مرحله نخست جشن عاطفه‌ها خیران و نیکوکاران تاکنون بیش از ۵ میلیارد ریال برای کمک به دانش‌آموزان نیازمند پرداخت کرده‌اند.

وی با بیان اینکه سال گذشته بیش از ۹ میلیارد ریال به جشن عاطفه‌ها کمک شد، خاطرنشان کرد: امسال نیز براساس برنامه ریزی‌هایی که صورت گرفته ۱۷ دفاتر کمیته امداد و ۲۸ مرکز نیکوکاری در سراسر استان این آمادگی را دارند تا کمک‌های مردمی به جشن عاطفه‌ها را جمع‌آوری کنند تا انشاالله با شروع سال تحصیلی این کمک‌ها به دانش آموزان نیازمند تقدیم شود.

لطفی از همه مسئولان، خیران و مردم استان بوشهر به خاطر همکاری با کمیته امداد در خدمت رسانی به ایتام و نیازمندان تشکر کرد.

آموزش و پرورش و ریشه‌های ناکارآمدی

محمدرضا نیک نژاد



مسائل آموزش و پرورش در سطح کلان در واقع تبیین‌کننده وضعیت موجود است و پرداختن به آن و یافتن راهکارهای مناسب ترسیم‌کننده وضعیت مطلوب خواهد بود به این معنا که با فهم و تحلیل دقیق رویکردهای کلان، موضوعات ریز در ذیل آن بهتر فهمیده می‌شود چرا که بدون تصور این رویکردها پراکندگی ناشی از درک ناقص و تک بعدی ما را به بی‌راهه می‌برد به همین منظور به مواردی اشاره می‌کنم که به تصور بنده می‌تواند در این راستا راهگشا باشد.

۱- نداشتن تئوری و برنامه‌ای برای حل تعارض سنت و مدرنیته

آموزش وپرورش نوین در ایران به دنبال نوعی تغییر نگرش در جهت بازسازی سیاسی و اجتماعی جامعه استبداد زده، استعمار زده، فقیر، بیمار و رنجور عهد قاجار شکل گرفت. بسیاری از نواندیشان آن دوره مهم تاریخی، این نهاد اجتماعی را دروازه‌ای برای ورود به تحولات کیفی و کمی می‌شمردند. تا اینکه در دوره پهلوی اول جریان دولتی‌سازی مدارس شدت گرفت و حکومت از مدارس ابزاری ساخت تا انتظارات خود را برای تغییر شکل و محتوای جامعه، تعمیق بخشد. این حرکت به افزایش رویارویی سنت و مدرنیته در ایران کمک کرد و این چالش را به عنوان مهم‌ترین عامل در تظاهر مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در ایران قوت بخشید. انقلاب اسلامی هم خواه ناخواه این چالش را به نحو بنیادی پیش روی خود داشت. این معمای ناگشوده در نظام تعلیم و تربیت، بیشتر از هر نهاد دیگری خودنمایی می کرد. بحث تحول بنیادی در این نهاد نیشتر زدن و باز شدن دُمل چرکین چنین تقابلی بود. تمرکز و برنامه‌ریزی برای تحولاتی که هنوز مبانی نظری خود را نیافته بود و غفلت از وضعیت موجود آن، باعث بی‌رمق شدن آموزش وپرورش رسمی کشور شد.

۲- نداشتن یک نظریه و نقشه راهی بلندمدت

دستگاه آموزش وپرورش، به کوهی صعب العبور می‌ماند که مسوولان آن، هر بار از یک قسمت شروع می کردند. هنوز نقشه پازل مانندی تهیه نشده که همگان از نمای بالا ببینند که چه تحولی در حال رخ نمودن است و هر اقدامی مربوط به کدام قسمت نقشه می‌شود. نداشتن یک نظریه روشن در آموزش و پرورش که ریشه‌هایش را در خاک فرهنگ و انتظارات معقول این سرزمین فرو برده باشد عامل سردرگمی و به ثمر نرسیدن تلاش‌ها شد و ما که در اخذ و اقتباس نظرات بنیادی مرتبط با آموزش و پرورش آن صبوری و حوصله را که مبانی هریک را تجزیه و تحلیل کنیم از دست داده بودیم به التقاتی از مکاتب رو آوردیم که البته این مساله در هر دوره‌ای فراز و فرود خاص خود را داشت و به مسائل و مشکلات دامن زد.

۳- بودجه و امکانات ناکافی

می‌پذیریم که نظام تعلیم وتربیت رسمی موجود دچار کاستی‌های فراوانی است، اما همه تحولات باید در بستر همین زمین که نام آن را آموزش وپرورش با همه دستگاه‌های اقماری‌اش و آموزش عالی با همه مختصاتش، گذاشته‌ایم، صورت پذیرد. هر نقشه‌ای که داریم در این زمین و ساختمان و امکانات مادی و معنوی‌اش باید به اجرا درآید، در مریخ که نمی‌خواهیم دستگاه تعلیم و تربیت جدید را برپا کنیم. بنابراین خشکاندن و سوزاندن این زمین و امکانات آن یا به صورت قطره چکانی اختصاص بودجه به آن، نمی‌تواند توجیه‌پذیر باشد.

۴- وضعیت معیشتی معلمان و مقایسه آن با سایر کارمندان

در این باره توضیحی نمی‌دهم که بهبود و تغییر این وضعیت چگونه می‌تواند چرخه را به سمت دگرگونی مثبت پیش ببرد. اما یادآور می‌شوم که درست است بهبود و ترمیم حقوق معلمان و رفع تبعیض تنها عامل دگرگونی‌های کیفی در آموزش و پرورش نیست، اما ادامه وضعیت فعلی می‌تواند عامل فروپاشی اساس تعلیم و تربیت باشد.

۵- سلسله مراتب عمودی و آسیب‌های آن

مشارکت دادن کارکنان و معلمان در تصمیم‌گیری‌ها می‌تواند باعث افزایش انگیزه‌ها شود. بدنه آموزش وپرورش آنقدر از مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فاصله دارد که بخشنامه‌ای عمل کردن و فشار آوردن برای اجرای تصمیماتی که بدون حضور آنها گرفته شده به حالت آزاردهنده تبدیل شده، چرا حوزه ستادی از داشتن یک ارتباط موثر و چابک عاجز است؟ چرا عمده کارشناسی‌های تاثیرگذار به صورت پروژه به اساتیدی در حوزه آکادمیک سپرده می‌شود که یک روز را به عنوان معلم در یک مدرسه دولتی نگذرانده‌اند؟ چرا ادارات آموزش و پرورش نمی‌توانند جلسات موثر با معلمان داشته باشند و شوراها در هر سطحی به تعارف برگزار می‌شوند؟

۶- ناکارآمدی سامانه‌های آموزشی

سامانه‌های آموزشی ما در یادگیری و یاددهی، در برنامه درسی، در مبلمان آموزشگاهی و کلاسی، در ارزشیابی، در فناوری و تکنولوژی و آزمایشگاهی و در آموزش معلمان و اولیای دانش‌آموزان دچار معضل و مشکل است. که هر کدام از این موضوعات را به تفصیل می‌توان در لابه‌لای سخنان صاحبنظران جست‌وجو کرد. برای مثال هنوز از رسانه آموزشی معمولی، کاغذ و تخته و کتاب درسی به انواع متعدد فناوری‌های در دسترس برای تحقیق و تجزیه و تحلیل و مشکل گشایی و حل مساله و ورود به جهان ارتباطات گذر نکرده‌ایم.

۷- تعارض آموزش‌ها با وضعیت و انتظار جامعه

آموزش و پرورش در درازمدت نمی‌تواند به صورت یک سازمان نگهبان، که نوع خاصی از تفسیرها را از تعلیم و تربیت ارایه می کند، بماند. به تدریج ارتباط معقول با وضعیت فکری و ارزشی جامعه از کف می‌رود و تفهیم و تفاهم‌ها رو به ضعف می گذارد. وقتی آموزه‌های مدرسه تناسب معناداری با انتظارات جامعه نداشته باشد، روابط دستوری و خشک و گاهی بی‌معنا شکل می گیرد. از طرف دیگر نظام آموزشگاهی باید بتواند نیاز بازار عرضه و تقاضا را برآورده کنند، اینکه ما انتظار داشته باشیم که تعلیمات مدرسه گره گشای امورات زندگی جامعه باشد، انتظاری بی‌جا نیست. دستگاه تعلیم و تربیت خصیصه‌های جامعه را منعکس می کند و تضادهای موجود در نظام‌های اجتماعی و ناتوانی نسبی نظام‌های آموزشی رابطه مستقیم با یکدیگر دارند. جامعه متاثر از نظام تعلیم وتربیت است، اما نه به این معنا که وضعیت جامعه تاثیری بر نظام تعلیم وتربیت ندارد. برای بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی در جامعه باید از ایجاد دستگاه تعلیم وتربیت توانمند حمایت جدی کرد، اما اگر بخواهیم یک نظام آموزشی کارآمد داشته باشیم باید در مسیر بهبود شرایط و وضعیت نهادهای مدنی تلاش کنیم. نگفته پیداست که عدم کارایی موثر مدرسه در کاهش آسیب‌های اجتماعی ریشه در کجا دارد.

رئیس اداره استعدادهای درخشان استان بوشهر:

برنامه ملی شهاب در استان بوشهر گسترش می‌یابد



رئیس اداره استعدادهای درخشان استان بوشهر گفت: برنامه ملی شهاب در استان بوشهر گسترش می‌یابد.

به گزارش از روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر رئیس اداره استعدادهای درخشان استان بوشهر با بیان لزوم اجرای طرح شهاب (شناسایی و هدایت استعدادهای برتر) در مدارس ابتدایی این استان اظهار داشت: شش شهرستان بزرگ استان در این طرح ملی شرکت دارند و دانش آموزان تحت پوشش، دارای نمره شهاب هستند.

کاوه امیری با اشاره به تاکید مقام معظم رهبری بر اجرای طرح شهاب خاطرنشان کرد: دوره‌های تخصصی آموزش این طرح ویژه مدیران، معاونان، مشاوران و آموزگاران برگزار می‌شود.

وی افزود: شورای شهاب (شناسایی و هدایت استعدادهای برتر) در مدارس تشکیل شود و از والدین خواسته شود به تفاوت‌های فردی و استعداد فرزند خود در هر زمینه‌ای بها داده و به اطلاع آموزگاران این طرح برسانند.

مدرسه سعادت، شگفت انگیز و ستودنی

علی حق‌شناس

شد چو بپا این بنا بیمن و سعادت
علم و ادب هر دو کرد رو بزیادت
نام سعادت نهاد بانیش از خیر
گشت مروّج علوم را بارادت
فرصت بنمود فکر و گفت به تاریخ
آمده این مدرسه قرین به سعادت
«فرصت الدّوله شیرازی»

بنیاد مدرسه سعادت بوشهر در عصر پنجشنبه ۲۷ ذیقعده ۱۳۱۷ قمری برابر با ۱۲۷۸ شمسی مطابق با ۱۹۰۰ میلادی صورت پذیرفته است. از قرائن بر می آید که فرهنگ دوستان و صاحبان قلم از مدتی پیش در انتظار افتتاح این مدرسه بوده اند به نحوی که روزنامه ی حبل المتین در سه هفته پیش از آن می نویسد که هنوز معلوماتی از مدرسه ی بوشهر مکشوف نشده یعنی افتتاح نگردیده است.

به هر حال وقایع نگار حبل المتین که در مراسم افتتاح حضور داشته است اضافه می نماید که مراسم مورد بحث در ساختمانی واقع در محله ی نیدی بوشهر به دلیل فقدان ساختمان آموزشی مناسب شهری با حضور اعیان و صاحب منصبان بر اساس دعوت حکمران بوشهر احمدخان دریابیگی (متوفّای ۱۳۰۱ شمسی) و با پذیرایی از مدعوین در هوای شادی بخش بهاری و در آن منطقه پر نشاط طبیعی برگزار گردید که در همان محفل شیخ محمدحسین سعادت (۱۳۱۴-۱۲۴۲ ش) معلم مدرسه، آقا محمدباقر (متوفای حدود ۱۳۰۰ شمسی)، مدیر و آقا سیدعبدالرضا حکیم به عنوان امین صندوق و ذخائر مدرسه حضور داشتند.

گفتنی است ساختمان مورد ذکر مدرسه در محله ی نیدی هر چند به دلیل وسعت مکان و موقعیت طبیعی خود برای محصلین پر جاذبه بود لیکن خالی از زحمت نیز نبود و ایاب و ذهاب حدود ۳ کیلومتری اطفال که غالباً ساکن مرکز شهر بودند پر زحمت و ملال آور بود و بنابراین با همت آقا محمدباقر متعاقب نظر مساعد خیرخواهان و موافقت و مساعدت دریابیگی، خانه ای در مرکز شهر به نحو اجاره تعیین و بچه ها را به آن مکان انتقال دادند که خبر آن را حبل المتین در همان زمان منعکس نموده است.

اسناد و قرائن موجود حکایت از جنب و جوش و تلاش گسترده ی علمی دانش آموزان پس از ورود به ساختمان شهری است. و آنچه قابل توجه است اجرای سنتی آئین امتحانات است که برابر گواهی اسناد موجود با نظم و تشریفات خاصی و با حضور اولیاء کودکان و مسئولین و صاحب منصبان شهری برقرار بوده است. در این مورد به خبری از حبل المتین همان روزگار که انجام امتحانات مدرسه را مدتی پس از ورود به ساختمان شهری بیان می کند توجه کنید:

«وقایع نگار حبل المتین می نویسد در هفته ی گذشته امتحان شاگردان مدرسه سعادت شد با این تفصیل که جناب دریابیگی حکمران و جمیع صاحب منصبان و رؤسا و اعیان با تمام اجزاء مدرسه حضور به هم رسانیده و شاگردان هر یک امتحان خود را داده به خوبی از عهده ی جواب برآمدند" نهایت امیدواری به جهت حضّار حاصل آمد" در حقیقت فواید مدرسه را ملتفت شدند که در این مدت قلیله، شاگردان خیلی ترقی نموده اند و روز به روز بر عده ی شاگردان می افزاید.»



خبری روزنامه ای از امور آموزشی مدرسه سعادت مذکور شد. گفتنی است که این مدرسه ی نوبنیاد از همان آغاز کار خود اقدام به اشتراک نشریات آن زمان می کند که همین اقدام نیز نشانه ای از نظام علمی ارتباطی این کهن ترین مدرسه ی نظام نوین منطقه ی ماست.

به هر حال مدرسه تازه تأسیس سعادت با استقبال عمومی مواجه می شود به نحوی که برابر گزارش حبل المتین آمار محصلین آن در ۱۳۱۸ قمری (۱۲۷۹ شمسی) تعداد ۶۳ نفر بوده است.

و اما گسترش کمی و کیفی مدرسه موجب گردید که فرهنگ دوستان و خیرخواهان آن روزگار بوشهر در اندیشه مکان و ساختمانی شایسته و فراخور باشند، در اینجاست که مرحوم دریابیگی با اصرار و راهنمایی فرهنگ پروران زمان درصدد تهیه ساختمان در بیرون شهر برآمد و قطعه زمینی از اراضی مرحوم ملک التّجار که به مرحوم حاج معین التّجار بوشهری واگذار شده بود به اندازه ی دو هکتار به دست آورد و شالوده ی ساختمان مدرسه ای مشتمل بر شش کلاس بزرگ و یک سالن و چهار ایوان (راه رو) به وجود آورد که همین ساختمان سابق دبیرستان سعادت بوشهر است. به هر حال این ساختمان در ۱۳۱۹ قمری برابر با ۱۲۸۰ شمسی به پایان رسید و محصلین مدرسه پس از متجاوز از یکسال اقامت در ساختمان شهری بدین مکان وسیع و شایسته انتقال یافتند.

حال اقدام مرحوم دریابیگی خواه از روی سیاست و خواه از روی عاطفه، مدرسه ی جدیدی را به نام مدرسه ی سعادت مظفری حاصل ساخت که قید «مظفری» به دلیل سیاست اداری دریابیگی بوده است که به اعتبار آن خواسته است از کمکهای مالی و تدارکاتی مظفرالدین شاه قاجار بهره گیرد همچنان که حواله ی مبلغ یک هزار تومان از طرف شاه قاجار به اداره گمرگ بوشهر محض تکمیل ساختمان مدرسه ی گویای این سیاست اداری بوده است.

و اما شیخ عبدالکریم می نویسد در سال ۱۳۲۰ قمری از فرصت الدوله شیرازی که روابط نزدیکی با مرحوم شیخ محمدحسین سعادت داشته است درخواست می شود که چند بیت شعر مشتمل بر تاریخ تأسیس مدرسه بسراید که مرحوم فرصت، ۳ بیت صدر این مقاله را تنظیم می نماید، که شاهد ما همان مصرع دوم بیت سوم است که ماده ی تاریخ تأسیس مدرسه سعادت را بر اساس حروف جمل نشان می دهد «آمده این مدرسه قرین به سعادت» بدین تفصیل: که ابیات سه گانه را بر سنگ مرمر ثبت و درج نموده آن سنگ را بر دیوار دالان ورودی مدرسه نصب نمودند. سنگی که هم اکنون نیز به عنوان شناسنامه مدرسه از آن محافظت می شود.

مدرسه در ساختمان وسیع و جدیدالاحداث خود حال و هوایی فعال تر و دل انگیزتری می یابد و هر چند که عزل و انتقال احمدخان دریابیگی از حکمرانی بوشهر برای مدتی موجب کندی جریان امور مدرسه گردید و گویا اینکه حکمران جدید رضا قلیخان نظام السلطنه (۱۳۰۱-۱۲۴۶ ش)که در عدم حضور حکمران قبل مدرسه را افتتاح می کند برخلاف سلف خود از حمایت جدی مدرسه خودداری می ورزد و مدرسه را دچار بحران مالی می سازد اما همه ی این مشکلات نتوانست رشد و تکامل مدرسه را متوقف سازد و مدرسه با همت و عزم بانیان و موسسین از طرفی و تلاش و کلای خود از جانب دیگر و فعالیت فراگیر معلمین عالم آن از جهتی دیگر و بالاخره حمایت عمومی و همکاری های اقتصادی چند بازرگان فرهنگ دوست و برخی مسئولین اداری اجتماعی شهر از ناحیه دیگر در تأمین بخشی از هزینه های مدرسه از عوائد گمرکی توانست گام های رسا و تکاملی خود را تداوم بخشد و به عنوان یکی از قطب های مطرح آموزش علمی آن روز ایران شناخته شود خاصه که برادران سعادت در این راه پرفراز و نشیب، همواره مقاوم و خستگی ناپذیر همراهی داشتند و در نتیجه مدرسه سعادت بعد از مدتی فراز و نشیب ها و موافقت و مخالف ها به نوعی ثبات می رسد و به محیطی فعال و عالمانه مبدل می گردد. در این مورد روزنامه مظفری در اول محرم ۱۳۲۲ قمری شرحی مبسوط تحت عنوان «اجمال سرگذشت مدرسه ی مبارکه ی سعادت مظفری از ابتدای تأسیس تا بحال» در چند شماره آغاز می نماید و اشاره می کند که چهار سال از بنیاد مدرسه می گذرد. آنگاه روزنامه مزبور ادامه می دهد که پس از رفتن دریابیگی، شرایط بد شده است و مدیر مدرسه آقا محمدباقر انجمنی از عامه ی اهالی خصوصاً تجار و اعیان تشکیل می دهد و می گوید تا دریابیگی بود مشکلی نبود اما اکنون او رفته ولی شما هستید و آثارش را دیده اید اکنون می خواهید باشد یا خیر و همه خواستند باشد و در آنجا ۵ نفر تعیین و این ۵ نفر اکراهاً قربةً الی الله پذیرفتند که جلسات چهارشنبه ها را ادامه دهند و آخر الامر روزنامه اضافه می کند که مشکلات مالی پیش آمد و برخی اولیاء بچه هایشان را بیرون آوردند و برخی تجار از اعانه خودداری نمودند. ولی همانطور که قبلاً گفتیم مدرسه از طوفان ها و تندباد حوادث به سلامت عبور کرد و به ثبات و قرار رسید معلمین شایسته و فاضل دعوت شدند و به تدریس پرداختند به تدریج آمار دانش آموزان فزونی یافت و محیطی سرشار از تفاهم و آرامش برای بالندگی علمی به وجود آمد و با اقبال عمومی مواجه شد.

مرحوم سدیدالسلطنه از قرائت خانه ی بوشهر در محل مدرسه سعادت نیز بازدید کرده و نوشته است که قرائت خانه بوشهر در سال ۱۳۲۴ قمری (۱۲۸۴ شمسی) در بوشهر در محل مدرسه سعادت تأسیس شده است و شامل ۲۸۰ جلد کتاب فارسی، ۴۰ جلد کتاب عربی، ۷۰ جلد انگلیسی و ۶۰ جلد فرانسوی می باشد.

صحبت از کتاب شد شایسته است برای مزید اطلاع یادآور شد که بسیاری از معلمین نسل اول مدرسه سعادت از فرزانگان و مؤلفین و محققینی بوده اند که آثار مکتوب آنها گواه بر مدعاست از جمله باید به کتاب «تاریخ خلیج فارس» شیخ محمد حسین سعادت اشاره نمود که طی نامه ای از مرحوم علی اصغر حکمت (۱۳۵۹-۱۲۷۲ ش) وزیر وقت وزارت معارف و اوقاف به برادرش شیخ عبدالکریم سعادت به اهمیت کتاب مورد بحث اشاره شده است.

و یا به دوره ی پنجگانه میزان التعلیم شیخ عبدالکریم اشاره نمود که وزارت مورد بحث طی نامه ای به آن مرحوم در دوران نمایندگی از طرف مردم بوشهر در مجلس شورای ملی وقت می نویسد که اداره ی تعلیمات عمومی وزارتخانه، دوره ی پنج جلدی میزان التعلیم را در عداد کتب مدارس ابتدایی انتخاب و تصویب نموده است.

آری شگفت انگیز و ستودنی است که چگونه جمعی یاران یکدل و فرزانه و آگاه به مبانی و اصول اعتقادی از طرفی و واقف بر چرخه ی تحولات علمی و فکری روزگار خود از طرف دیگر، توانسته اند متجاوز از یک قرن قبل اولین مدرسه نظام جدید استان را در منطقه ای از جنوب کشور آن هم بدون الگوی خارجی و بدون پشتوانه فکری و اجتماعی مرکز، در یکی از محروم‌ترین بخش های ایران زمین آن روزگار آن هم در شرایط ناامن و اضطراری زمان خود در دورانی تلخ و دیکتاتوری به وجود آورده آن را تکامل بخشند، مدرسه ای متجاوز از یک قرن است که به عنوان نگین درخشان آموزش و پرورش استان بوشهر به تعلیم و تربیت هزاران فارغ التحصیل بپردازد فارغ التحصیلانی که بسیاری از آنها در چندین دهه ی گذشته و حال و در گردش چرخ های اقتصادی و اجتماعی و بالندگی های علمی و فکری کشور خود و نیز در پاسداری از گنجینه های فاخر علمی و فکری تاریخ اعتقادی و ملی خود تلاشگر بوده و هستند و ایکاش محققی نکته سنج دست به قلم می برد و با مراجعه به آرشیوها و آمار ذیربط، لیستی از فارغ التحصیلان مطرح و مقبول و شناخته شده این آموزشگاه در یک قرن گذشته را تهیه و منتشر می نمود، آری مدرسه ای که معلمین نسل اول آن به غیر از تعطیلات رسمی، مرخصی نداشتند و ایام غیبت آنان در طول سال تقریباً صفر بود مدرسه ای که در طول۱۲ ماه سال به غیر از تعطیلات رسمی کشور، مفتوح بود و فعالیت داشت، مدرسه ای که برنامه درسی روزانه آن ۶ ساعت کامل ۶۰ دقیقه ای، چهار ساعت در صبح و ۲ ساعت در بعد از ظهر صورت می داد مدرسه ای که استراحت های ۳۰ دقیقه ای میان ساعات کلاس ها نیز از نظر نوع برنامه ی تفریحی و هنری و ورزشی خود، کلاسی پر نشاط و آموزنده و پرخاطره بود.

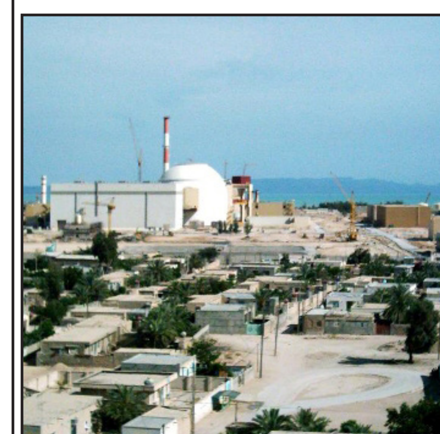
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی
نسیم جنوب
nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



سرپرست معاونت سیاسی استانداری بوشهر:

املاک هلیله و بندرگاه به ارزش کارشناسی مشابه بوشهر قیمت گذاری می شود



بدنبال انتشار گزارشی از روند تهیه و تنظیم این طرح، ابهاماتی در فضای مجازی مطرح شد از آن جمله ابهام در بند ۶ که بطور خلاصه "خرید ملک اهالی در صورت تمایل به فروش از سوی سازمان انرژی اتمی و تعهد پرداخت بهای کارشناسی ملک ظرف ۳ ماه"، ذکر شده بود.

رفع مشکل ۴۰ ساله مردم هلیله و بندرگاه در دولت تدبیر و امید، یک اقدام اساسی برای تامین منافع و برآورده نمودن مطالبه چندین دهه مردم آنجا بود.

بدنبال انتشار گزارشی از روند تهیه و تنظیم این طرح، ابهاماتی در فضای مجازی مطرح شد از آن جمله ابهام در بند ۶ که بطور خلاصه "خرید ملک اهالی در صورت تمایل به فروش از سوی سازمان انرژی اتمی و تعهد پرداخت بهای کارشناسی ملک ظرف ۳ ماه"، ذکر شده بود.

سرپرست معاونت سیاسی استانداری بوشهر در مصاحبه با بوشهر آنلاین در این باره اظهار داشت: خوشبختانه بطور دقیق و اساسی در این توافقنامه به رفع مشکلات مردم هلیله و بندرگاه توجه شده است و به عنوان نمونه در همین بند ۶ در اصل توافقنامه قید شده؛ قیمت کارشناسی برای تامین مسکن مشابه در بوشهر یا شهرهای دیگر، به عبارتی، متن کامل این بند نشان می دهد در مذاکرات از این بابت دقت شده است تا اهالی بتوانند با فروش ملک خود، در بوشهر و یا شهرهای دیگر مسکن‌شان را تامین کنند.

جمشیدی افزود: توافقنامه رفع مشکلات چندین دهه مردم هلیله و بندرگاه پس از برگزاری جلسات در سطوح بالا و بر اساس نظر کارشناسی مشاوران مجرب، تهیه شده است و انتظار داریم که افرادی بدون اطلاع صحیح از این روند و متن توافقنامه، دست به قلم نبرده و اقدام به کمرنگ نمودن این موفقیت ننمایند.

درخواست از رئیس شورای عالی استان ها

پیگیری کنید تا هزینه و بودجه شورا و شهرداری بوشهر اطلاع رسانی شود

ابوذر شیخ سقا



جناب آقای مهندس مهدی چمران ریاست محترم شورای عالی استان ها

احتراما چنانچه یقینا مطلع هستید در قانون شورای شهرستانها، ماده ای وجود دارد به نام ماده ۷۶ که بصراحت اعلان داشته شوراهای شهرها، شهرداریها و سازمانهای وابسته، مکلفند بصورت مستمر جهت اطلاع عموم درآمد، هزینه، بودجه را به اطلاع عموم برسانند.

با توجه به ارسال چندین بار، نامه درخواست از ریاست شورا و فرماندار بعنوان جایگاه ناظر بر شورا، خواسته شده که نسبت به اجرایی شدن این ماده قانونی مهم به جهت شفاف سازی و اطلاع رسانی اذهان عمومی اقدامات مقتضی صورت پذیرد، که متأسفانه هیچ یک از مقامات نسبت به اجرایی شدن این ماده قانونی هیچگونه اقدامی اتخاذ ننمودند. که خود بسی جای سؤال، شبهه و احتمال وجود حیف و میل هایی در موارد فوق می رود وگرنه دلیلی ندارد که مسئولین امر از اجرای قانون که ملزم به اجرای آن هستند سرپیچی کرده و تخلف نمایند.

لذا اینجانب بعنوان یک شهروند بوشهری از شما که ریاست شورای عالی استانها را عهده دار هستید، درخواست می نمایم تا در راستای پیگیری دلایل شورای شهر بوشهر نسبت به عدم اجرای این ماده قانونی، بررسی لازم را بعنوان عالی ترین مقام مسئول در شوراهای شهرهای کشور مبذول داشته، و همچنین دستورات مقتضی نسبت به اجرای این ماده قانونی را به شورای شهر بوشهر ابلاغ فرمائید.

نی مه، کارآوای جنوب ایران

محسن شریفیان



نی مه، گونه ای کارآوا در جنوب ایران و حتی کشورهای حاشیه خلیج فارس است و به ترانه هایی گفته می شود که دریانوردان و لنج سازان به هنگام کار بر دریا می خوانند. اهمیت و مضامین نی مه‌ها برگرفته از اسلام و آیات و احادیث و ادعیه است و گونه‌های مختلفی چون نی‌مه گلافی، اوشار، شستن لنج، می‌داف و... را دربرمی گیرد؛ ریشه بسیاری از انواع مختلف موسیقی بوشهر، چون یزله خوانی را در نی‌مه‌ها می‌توان جست و جو کرد.

نی مه خوانی در بوشهر بدون ساز است اما در گذشته با دایره و دمام همراه بوده است. نی‌مه خوانی بر اساس بداهه نوازی است و زبان آن فارسی محلی است هر چند زبان و لهجه عربی و حتی گفتار و لهجه هندی و آفریقایی نیز در این نوع موسیقی به آسانی مشهود است.

موسیقی که خواندن آن حرکات رقص گونه دست و بدن را در شرایط سخت به زیبایی تمام به نظم می کشد.

آیین موسیقی کار هر چند به ظاهر رنگ عربی دارد، اما می تواند از نشانه های باستانی موسیقی بوشهر باشد. اگر به تاریخ کشتی سازی و کشتی رانی ایرانیان در خلیج فارس و استان امروزی بوشهر در قبل از اسلام توجه داشته باشیم و به یاد آوریم که از دوران عیلامی ها تا ساسانیان مردمانی دریانورد بوده اند، می توان به ماهیت باستانی «نی مه» پی برد، هر چند که متاسفانه به دلیل گسست تاریخی و زبانی، امروزه هیچ نشانی از نی مه های بوشهری ها به زبان پهلوی جنوبی وجود ندارد.

اشعار نی مه در قالب های یزله می گنجد و بیشتر درباره مددجویی از عالم ماوراء است. ریتم و هیجان یزله در نی مه نیز به چشم می خورد. ریتم نی مه، گاه تند گاه کند، متناسب با کاربرد آن است. نی مه ها اصولاً به معنای آوازهای دریایی است و به منظور تهییج، تشویق و ترغیب



ملوانان و حفظ روحیه و ایجاد تنوع اجرا می شوند. برخی از این آوازها دارای مضمون حماسی اند. نی مه توسط یک تک خوان و پاسخ دسته جمعی سایز جاشوها اجرا میشود.

تک خوان همان سرگنگ یا سرهنگ است که رهبری گروه را به عهده دارد و گاه این مسئولیت را ناخدا به عهده می گیرد.

از انواع نی مه ها می توان به نی مه های میداف (آوازهای مخصوص پارو زدن)، گرگور، دوسه، لنگر، دم و شراع اشاره کرد. نی مه های گرگور، دوسه، لنگر و دوم نسبتاً سرعت تندتری از نیمه میداف دارند.

ورزشکار گناوه ای به مدال نقره بازی های پاراالمپیک ریو دست یافت



سجاد نیک پرست نماینده پرتاب نیزه ایران از شهرستان گناوه استان بوشهر در رقابت های پاراالمپیک ۲۰۱۶ ریو دوژانیرو به مدال نقره دست یافت.

به گزارش ایرنا، پرتاب گر نیزه ایران در ماده F۱۳ توانست با ثبت رکورد ۶۲ متر و ۷۴ سانتی متر به مدال نقره این رقابت ها دست یابد و افتخاری دیگر نصیب کشور کرد.

نیک پرست در پرتاب اول ۵۹ متر و ۳۷ سانتی متر، پرتاب دوم رکورد ۶۰ متر و هفت سانتی متر و در پرتاب سوم ۶۰ متر و ۶۰ سانتی متر پرتاب کرد.

وی در پرتاب چهارم مرتکب خطا شد و در پرتاب پنجم رکورد ۵۷,۰۵ متر را ثبت و در تلاش ششم توانست نیزه را ۶۲,۷۴ متر پرتاب و با همین رکورد به کار خود پایان داد.

در این ماده، الکساندر شوچینکوف از ازبکستان با ثبت رکورد ۶۵ متر و ۶۹ سانتی متر ضمن شکستن رکورد پاراالمپیک به نشان طلا رسید و نمانجا دیمیتری جوویچ صربستانی با پرتابی به میزان ۶۰ متر و ۸۶ سانتیمتر گردن آویز برنز را بر گردن انداخت.

سیدمحسن حسینی پناه دیگر نماینده ایران از شهرستان گناوه در پرتاب وزنه کلاس F۳۵ این رقابت ها با وجود مصدومیتی که داشت در رده پنجم قرار گرفت.

گروه موسیقی شالو بوشهر، سفیر فرهنگی ایران در برلین آلمان



گروه موسیقی شالو ۲۲ تا ۲۹ سپتامبر برای معرفی موسیقی بوشهر عازم کشور آلمان می شود.

عبداله مقاتلی خواننده و سرپرست گروه موسیقی شالو در مصاحبه با نسیم جنوب اظهار داشت: در این برنامه گروه شالو منتخبی از آثار منتشر شده توسط این گروه که قبلا در قالب آلبوم هایی از موسیقی بوشهر با نام مرد جاشو، دیگه ناشم، شروه خوانی در بوشهر و جدیدترین اثر هنری خود که تحت یک پکیج با عنوان موسیقی بوشهر (بزودی منتشر خواهد گردید) اجرا خواهد نمود.

وی افزود: معرفی فرم های رایج در موسیقی بوشهر و اجرای کارآواهای بکر از برنامه های جدید این گروه در این سفر می باشد.

همچنین در راستای معرفی سازهای موسیقی بوشهر نمایشگاهی از سازهای مذکور که توسط حسین صارمی تهیه و آماده گردید در قالب یک ورک شاپ هنری و معرفی سازشناسی موسیقی بوشهر با ارایه تک تک اعضا گروه شالو برگزار می گردد.

در این سفر فرهنگی، محسن نوشزاد، محمد مختارزاده، حسین صارمی، امین بحرینی، عبداله مقاتلی خواننده و سرپرست گروه شالو را همراهی می کنند.



تور کنسرت موسیقی بوشهر (گروه شالو) در آلمان

جمعه
۲۰۱۶/۹/۲۳
از ساعت ۱۵ -۱۸
مکان
Hermann-Ehlers-Platz
Berlin-Steglitz

شنبه
۲۰۱۶/۹/۲۴
از ساعت ۱۸
مکان
Passion Kirche
Berlin-Kreuzberg

یکشنبه
۲۰۱۶/۹/۲۵
از ساعت ۱۲
Vision Festsaal
Gelsen Kirchen



الناز بلوری فرد: بوشهر، دریابندری قدیمی در همسایگی خورشید و آرمیده در کنار آبهای خلیج فارس، سالیان سال است که صبورانه و به زیباترین شکل ممکن به غروب می نشیند. آن هنگام که در ساحل می ایستی، یک تلنگر کوچک کافیست که چشمهایت ببارند. تلنگری مثل نوای نی انبان! نوای نی انبان محسن شریفیان! نوایی که سالهاست به لطف نامهربانان در این بندر طنین انداز نیست.

در روزهایی که گذشت، کنسرت های متعددی در بوشهر برگزار شد. اجراهای متفاوت موسیقی از گروههای مختلف. دلمان خوش بود که در میان این اجراها، طعم نی انبان محسن شریفیان را خواهیم چشید که متاسفانه این دلخوشی به حسرت بدل شده است. باز دلمان خوش بود که در قطعاتی که با دیگر هنرمندان هم صدا شده است، لااقل نامش را بشنویم و آنطور که دلمان لک زده تشویقش کنیم تا شاید صدای تشویق دوستداران و همشهریانش را از دور بشنود و بداند که ما نیز از این فاصله ها دلگیریم. به قطعه "ای داد" که رسید، دادمان بلند شد! مگر می شود اسمی از او نبرند؟ مگر می شود نام هنرمندی را در شهر خودش قلم گرفت؟ مثل این که تیم فوتبالی را در کشور خودش ممنوع التشویق کنند.

وقتی از هنرمند این اجرا، امید حاجیلی پرسیدند چرا اسمی از آهنگساز و نوازنده این قطعه نبردید؟ می گوید "مصلحت نبود!" مصلحت نیست که نام تو را در این شهر ببرند. مصلحت نیست که تو بدانی همشهریانت چقدر خاطرت را می خواهند. تو بلندآوازه و ماندگاری! بگذار که نامهربانان نام تو را نخوانند!